

# مجله باستان‌شناسی و تاریخ

سال بیست و سوم، شماره دوم،

بهار و تابستان ۱۳۸۸

شماره پیاپی ۴۶

تاریخ انتشار: مرداد ۱۳۸۹





# Iranian Journal of Archaeology and History

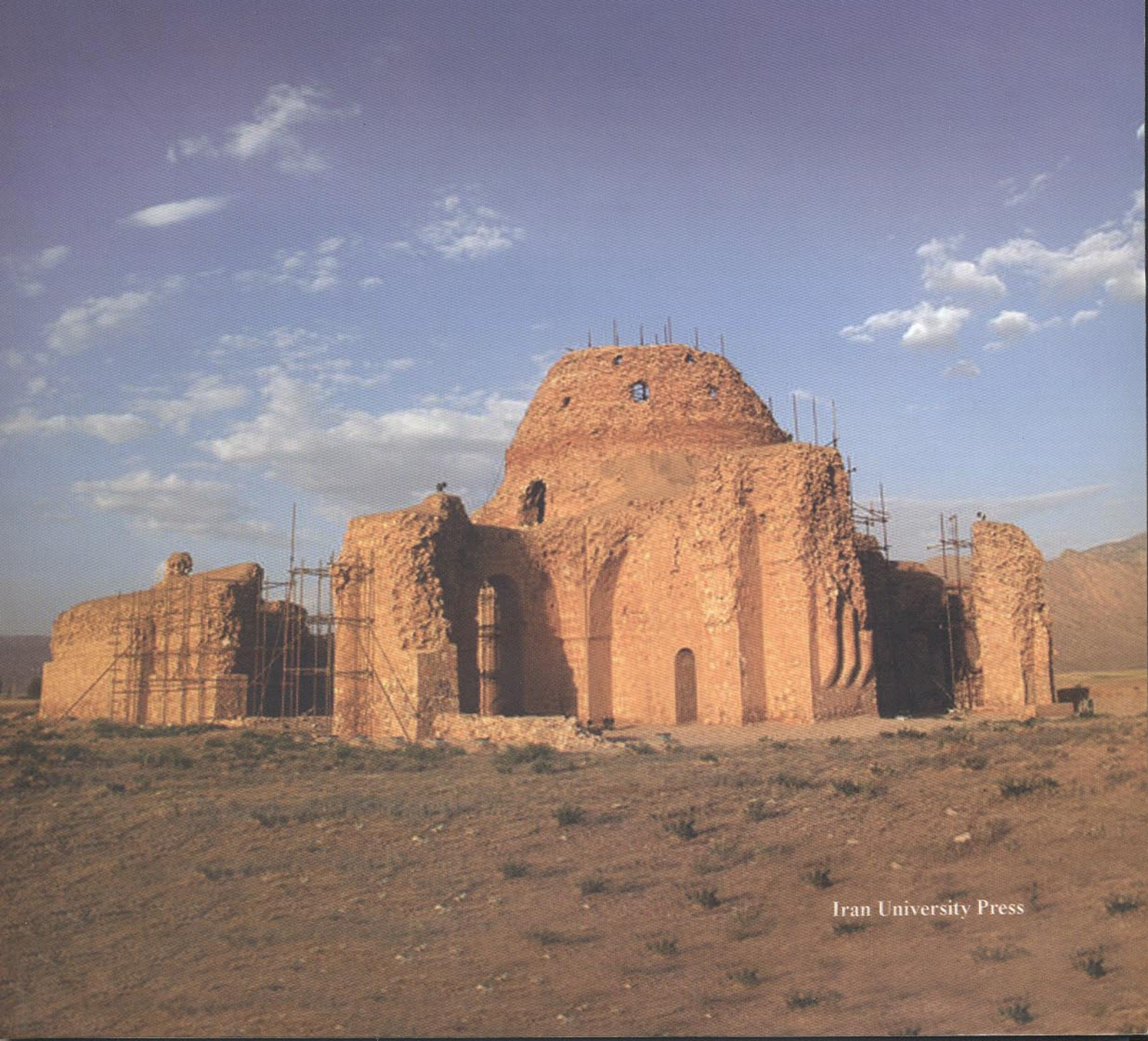
Vol. 23, No. 2

Serial No. 46

Spring-Summer 2009

Published in August 2010

ISSN: 1015-2830





## Iranian Journal of Archaeology and History

*Madjalle-ye Bāstānshenāsī va Tārīkh*

ISSN 1015-2830

Published by Iran University Press

Founding Editor: The Late A. H. Mujani

Editor-in-Chief: Kamyar Abdi

Managing Editor: Shahrnaz Etemadi

### Advisory Board:

Sh. Adle

N. N. Chegini

T. Daryaee

H. Laleh

Y. Majidzadeh

M. Malekzadeh

A. Qouchani

R. Sha'bani

The Late E. Amirlou, M. Azarnoush and A. Sh. Shahbazi

Centre National de la Recherche Scientifique

Iranian Center for Archaeological Research

University of California, Irvine

University of Tehran

University of Tehran

Iranian Center for Archaeological Research

Iran National Museum

University of Shahid Beheshti

*Iranian Journal of Archaeology and History* is published biannually in Persian together with articles in other languages (English, French, German, etc.). Each issue includes articles related to archaeology and history of Iran in particular and topics related to archaeology and history in general. Please direct all correspondence to:

Department of Archaeology & History

Iran University Press

50 Park Avenue, Tehran 1511786911 IRAN

P.O. Box: 15875-4748

Telefax: (+98) 21-88716832

E-mail: [ijarchaeologyandhistory@iup.ir](mailto:ijarchaeologyandhistory@iup.ir)

Website: [www.iup.ir](http://www.iup.ir)

Send your subscription correspondence to the above address.

# Iranian Journal of Archaeology and History

Vol. 23, No. 2

Serial No. 46

Spring-Summer 2009

Published in August 2010

---

## Table of Contents

### ● Papers and Reports

**On the History of Nowruz**

Katāyoun Mazdāpour

3

**Report on the Survey of a Rock-Shelter with Paleolithic Remains at Koul Farah, Izeh**

Cyrus Barfi

10

**The Burnished Matt Motif and Continuity and Change in Cultural Traditions at  
Qale Khān, Bojnourd**

Vahid Askarpour

15

**The Genealogy of the Early Arsacid Kings and their Names**

Khodādād Rezākhāni

24

**Sogdian Sānak, a Manichaean Bishop of the 5th-Early 6th Centuries**

V.A. Livshits

Persian translation by Golshan Esmailpour

30

**Excavations at the so-called Sasanian Palace at Sarvestān**

Ali-Rezā Askari Chāverdi

37

**Contribution of Archaeological Data to Studies of Earthquake History in the Iranian Plateau**

Manuel Berberian and Robert S. Yeats

Persian translation by Kourosh Rostaei

66

### ● Book Reviews

90

*Underwater Archaeology: The NAS Guide to Principles and Practice* (Reviewed by N. N. Chegini)

*Origins and Revolutions: Human Identity in Earliest Prehistory* (Reviewed by S. Shidrang)

*The Agricultural Revolution in Prehistory: Why did Foragers become Farmers?* (Reviewed by E. Ghasidian)

*Archaeology in Practice: A Student Guide to Archaeological Analyses* (Reviewed by Y. Hasanzadeh)

*Archaeomineralogy* (Reviewed by R. Naderi)

*The Coinage of the Phoenician City of Tyre in the Persian Period (5th-4th century BCE)* (Reviewed by K. Abdi)

*Iranian and Zoroastrian Studies in Honor of Profs Oktor Skjærvø* (Reviewed by K. Abdi)

*Les Seldjoukides d'Anatolie* (Reviewed by K. Abdi)

*Shakespeare, Persia & the East* (Reviewed by M. Mousavi)

### ● News

Mojgan Jayez

102

### ● Abstracts of Papers in Persian

---

mostly the evidence from several ostraca discovered at Nisa, suggest a revised family tree of the first four Arsacid monarchs and additionally proposes that the name Arsaces should be taken as a clan name, added to personal names of the rulers starting with Arsaces I and Arsaces II, whose personal names are suggested to have been Tīrdād and Ardawān (Artabanus).

## Excavations at the so-called Sasanian Palace at Sarvestān

Ali-Rezā Askari Chāverdi

The so-called Sasanian Palace at Sarvestān is one of the more important structures in the history of Iranian

architecture. Many travelers and archaeologists have dated this structure to the Sasanian period, either by analyzing the remains itself or by using early Islamic written sources. In recent decades, however, the date and function of a number of presumably Sasanian structures, including the Sasanian Palace at Sarvestān has been questioned. In order to settle the problem of chronology, a series of test excavations were carried out at the site. The results of test excavations indicate that the main structure was built during the late Sasanian period, but the complex was substantially expanded during Early Islamic times. Occupation at the site continued until the 8th century AH, when with is desertion, occupation shifted to the town of Sarvestān, some 12 km to the NW.

مرکز نشر دانشگاهی منتشر کرده است:

نام مجله باستان  
مجله بین‌المللی مطالعات ایرانی

سال هشتم، شماره اول و دوم

- چند دستنویس نویافته اوستا/ کتابون مزدپور
- اهریمن پرستی زروانی و نمونه‌های بازمانده از آن/ آرش اکبری مفاخر

- Mišān (Mesene) in the Sasanian Period:

A Survey based on Historical Texts/ Nasir al-Ka'abi

- The Survival and Demise of Pre-Islamic Traditions and Zoroastrianism in Islamic Iran:

Case Study of Fars based on the 10th-14th Century A.D. Literary Sources/ Negin Miri

- The Coins of Arsacid Persis and the Unknown King III/ Khodadad Rezakhani

● مقاله‌ها و گزارش‌ها

- ۳ درباره تاریخچه نوروژ  
کتابیون مزداپور
- ۱۰ گزارش بررسی پناهگاهی با آثار پارینه‌سنگی در کول‌فره، ایذه  
سیروس برفی
- ۱۵ نقش‌مایه حصیری داغدار و تغییر و تداوم سنت‌های فرهنگی  
در قلعه‌خان بجنورد  
وحید عسکرپور
- ۲۴ نگاهی به نسب‌نامه نخستین شاهان اشکانی و نام‌های آنان  
خداداد رضاخانی
- ۳۰ سانک سفدی از اسپسگان (خادمان کیش) مانوی  
در قرن پنجم و اوایل قرن ششم میلادی  
ولادیمیر لیوشیتس / ترجمه گلشن اسماعیل‌پور
- ۳۷ کاوش در بنای معروف به کاخ ساسانی سروستان، فارس  
علیرضا عسکری چاوردی
- ۶۶ نقش داده‌های باستان‌شناختی در بررسی تاریخچه  
زمین‌لرزه‌های فلات ایران  
مانوئل بربریان و رابرت بیس / ترجمه کوروش روستایی

● کتابهای تازه خارجی

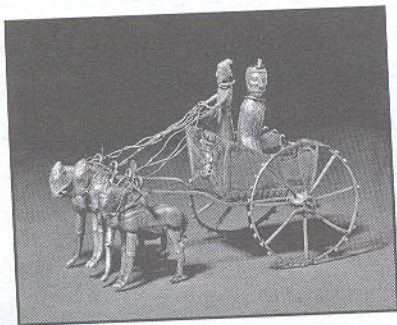
- ۹۰ باستان‌شناسی زیر آب / ناصر نوروززاده چگینی؛ خاستگاه‌ها و انقلاب‌ها: هویت انسان  
در قدیم‌ترین دوران پیش‌ازتاریخ / سونیا شیدرنگ؛ انقلاب کشاورزی / الهام قصبیدیان؛  
باستان‌شناسی در عمل / یوسف حسن‌زاده؛ باستان‌کانی‌شناسی / رحمت نادری؛  
سکه‌های شهر صور در دوره هخامنشی؛ جشن‌نامه اکتور شروو؛ سلاجقه در آناتولی /  
ک.ع.؛ شکسپیر، ایران و مشرق‌زمین / مهدی موسوی

● اخبار

- ۱۰۲ مژگان جایز

● چکیده مقالات به انگلیسی

2



روی جلد: ماکت زرین ارابه، منتسب به گنجینه جیحون، دوره هخامنشی، موزه بریتانیا



پشت جلد: دورنمای بنای موسوم به کاخ ساسانی سروستان

## کاوش در

# بنای معروف به کاخ ساسانی سروستان، فارس

علیرضا عسکری چاوروی

نخستین به سرمدت حاجی زاده

به پاس خدماتش به کاخ ساسانی سروستان

شاید «خَورستان» متون کهن را بتوان همان سروستان سده‌های متأخر دانست، زیرا در سده سوم هجری ابن خردادبه در توصیف مسیر شیراز به دارابگرد این نام را گزارش کرده است.

این نام را برخی از پژوهشگران نظیر لسترنج برای سروستان قدیم تأیید کرده‌اند (لسترنج ۱۳۷۳: ۲۷۱)، اما آیا موقعیت مکانی خَورستان سده سوم با سروستان سده نهم هجری یکی است؟ نکته دیگر اینکه به فرض تأیید تغییر نام خَورستان به سروستان در طی هفت سده (سده سوم تا نهم) و پذیرش وجود خَورستان در جنوب شرقی دریاچه مهارلو این موضوع تا چه اندازه در شناخت بهتر ما از بنای باستانی واقع در ۱۳ کیلومتری جنوب شهر امروزی سروستان به کار می‌آید؟

بنای منسوب به کاخ ساسان در سروستان از آثار شناخته‌شده تاریخ هنر سرزمین ایران است. جهانگردان و باستان‌شناسان متعدد نظیر فلاندن و کُست، دیولافوا، دمرگان، اِشتاین و هرتسفلد در پژوهش‌های خود این بنا را به دوره ساسانی نسبت داده‌اند (Bier 1986: 3-5). این افراد این بنا را یا براساس مشاهده مستقیم یا به نقل از نویسندگان صدر اسلام تاریخ‌گذاری کرده‌اند. زمانی ساختار معماری این بنا مورد توجه جدی‌تر پژوهشگران معمار و باستان‌شناس قرار گرفت که اُسکار رویتر در مقاله‌ای به تشریح معماری آن پرداخت و آن را به دلایل تاریخی و معماری به دوره ساسانی متسبب کرد

سروستان در مسیر شیراز به داراب، نخستین منزلگاه بین راهی شیراز به طرف شرق فارس و فاصله آن از شیراز حدود ۷۶ کیلومتر است. موقع شیراز و سروستان هر دو در یکی از دشت‌های حاصلخیز در امتداد محور شمال غربی - جنوب شرقی زاگرس قرار گرفته‌اند. در میان این دشت بزرگ دریاچه مهارلو معروف به دریاچه نمک قرار دارد، که آب بخش‌های بالادست دشت به آن سرازیر می‌شود. این دریاچه دشت را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌کند و شهر شیراز در امتداد محور شمال غربی - جنوب شرقی در حدود ۵۰ کیلومتر از سمت بخش شمالی این دشت را فراگرفته و شهر سروستان در ۲۰ کیلومتری جنوب شرق دریاچه واقع است.

سروستان، به دلیل واقع شدن در نزدیکی شهر شیراز و تجمع امکانات در شیراز، توسعه جمعیتی چندانی نیافته است. زمین‌های این قسمت برای کشاورزی مستعد است و کشاورزی در آن رونق دارد، به نظر می‌رسد در سده‌های متأخر به صورت قریه‌ای با کارکرد نگاه نخست پس از حرکت از شیراز به سمت شرق بلاد فارس طرح بوده است. برای نخستین بار در سده نهم هجری از سروستان در *روضه الصفا* نام برده شده است (میرخواند ۱۳۳۹: ۴۴۰). میرخواند تنها به ذکر نام این شهر بسنده کرده و آن را در زمرة شهرهای بزرگ و پررونق دانسته است (میرخواند ۱۳۳۹: ۴۴۰).

پرشش‌هایی در مورد تاریخ‌گذاری و کاربری بسیاری از بناهای منتسب به دوره ساسانی طرح کرده‌اند. یکی از این موارد، پژوهش لایونل بی‌یر در مورد بنای سروستان است (Bier 1986: 73)، که بر پایه بررسی ساختار معماری این بنا و مقایسه آن با بناهای مشابه در ایران و بین‌النهرین، به جای کاخی از دوره ساسانی این بنا را آتشکده‌ای زرتشتی متعلق به سده‌های اولیه اسلامی دانسته است (Bier 1986: 73).

در سال ۱۳۸۱ برای نخستین بار پژوهش‌هایی در بنای سروستان و محوطه اطراف آن، به قصد شناخت دوره‌های سکونت این بنا و گاهنگاری نسبی آثار فرهنگی انجام و تلاش شد با حفر گمانه‌هایی در بافت باستانی آن و با اتکا بر اطلاعات متون تاریخی دوره‌های احتمالی استفاده از این بنا روشن شود.

### بافت و بستر زیست‌محیطی

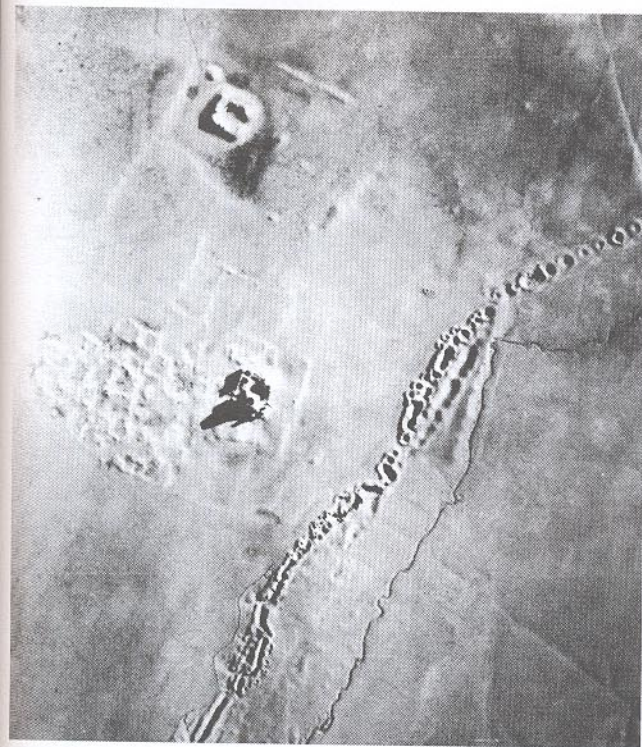
دشت هموار و حاصلخیز سروستان متشکل از لایه‌های رسوبی متعدد و آب‌وهوای آن نیمه‌معتدل و خشک و میزان بارندگی سالیانه در آن حدود ۲۲۷ میلی‌متر است (جعفری ۱۳۷۹: ۷۰۲). محوطه سروستان در بخش جنوب شرقی دشت، در جایی واقع است که دو رشته موازی کوه به هم نزدیک‌تر است.

با آب چشمه معروف به تَزَنگ، در کوهپایه شرقی دشت در ۵ کیلومتری محوطه سروستان، بخش اعظم زمین‌های این قسمت از دشت آبیاری می‌شود. در دشت سروستان رشته‌قنات‌های متعددی حفر شده که به دلیل ضخامت لایه رسوبی سطح دشت و پایین بودن سفره‌های آب زیرزمینی، ۵۰ تا ۸۰ متر عمق دارند. آثار پراکنده‌ای از کانال‌های متعدد آبیاری در محدوده سرچشمه تَزَنگ تا زمین‌های اطراف محوطه بنای سروستان بر سطح زمین مشاهده می‌شود. تعدد آبراهه‌های متروکه نزدیک سرچشمه تَزَنگ نشان می‌دهد که مسیر آب چشمه به‌دفعات تغییر کرده است.

### توصیف محوطه

بنای معروف به کاخ سروستان در بخش جنوبی دشت سروستان واقع است. درازای شمالی-جنوبی این دشت ۱۳۰ و پهنای آن بیش از ۳۰ کیلومتر است. دشت سروستان، به‌ویژه بخش جنوبی آن، هموار و پست است. به همین دلیل، بنای معروف به کاخ از فاصله دور در این دشت پهناور نمایان است.

ابعاد بنا ۳۷ در ۴۵ متر است. بنا دارای دو گنبد بزرگ و باشکوه، طاق‌ها، قوس‌ها و درگاه‌های متعدد، با مصالح معماری قلوه‌سنگ، گچ و در مواردی سقف‌های آجر و شامل بخش‌های گوناگونی است که به‌خوبی طراحی، ساخته و تلفیق شده‌اند. پنج ایوان، دو تالار گنبددار، دو تالار ستون‌دار، سه اتاق و صحن باز مرکزی از مهم‌ترین بخش‌های این بناست.



تصویر ۱. عکس هوایی محوطه سروستان (برگرفته از کتاب سروستان لایونل بی‌یر)  
Pl. 1. Aerial photo of the Sarvestan building and its surroundings  
(after Bier 1986: Fig. 3)

پیرامون بنا به قصد کشاورزی تسطیح شده و فقط در فاصله ۳۰۰ متری شمال غربی آن، تپه باستانی کم‌ارتفاعی به چشم می‌خورد که سازه‌هایی از سنگ و گچ بر سطح آن نمایان است. در تصاویر هوایی نیز بی‌های ساختمانی پراکنده و متعدد در بخش شمالی و غربی بنا مشاهده می‌شود (تصویر ۱).

متأسفانه، آنچه از بنا باقی مانده عظمت گذشته آن را نشان نمی‌دهد، زیرا امروزه بسیاری از آثار معماری نمایان در تصاویر هوایی چهل سال پیش در اطراف این بنا بر اثر تسطیح و گسترش زمین‌های کشاورزی از بین رفته و سراسر فضای داخل بنا به عمق یک متر تسطیح شده است. اگر چه در این سامان‌دهی‌ها، تغییرات گسترده‌ای در سطح محوطه پدید آمده بود، هیئت باستان‌شناسی تلاش کرد بخش‌هایی را برای گمانه‌زنی با هدف گاهنگاری و شناخت دوره‌های استفاده از این بنا انتخاب و لایه‌نگاری کند.

### لایه‌نگاری و مراحل سکونت

حفاری لایه‌نگاری به مدت سه ماه، با هدف شناخت دوره‌های سکونت در بخش‌های گوناگون محوطه سروستان انجام شد. هدف نخست از لایه‌نگاری شناخت توالی سکونت بود، اما نتایج یافته‌های باستانی در بافت و بستر برون‌محوطه‌ای و منطقه‌ای



جدول‌های لایه‌نگاری از هر گمانه به طور مجزا آمده و هر رسوب، با توجه به موقعیت و مواد تشکیل‌دهنده تعریف، به مراحل مشخصی نسبت داده و متأخرترین مرحله با شماره یک مشخص شده و در هر کدام از این مراحل، نوع استقرار و مواد فرهنگی مشخص و ساختار هر مرحله سکونتی به ترتیب از جدیدترین (آخرین) مرحله در بالاترین بخش گمانه توصیف شده است. در همه گمانه‌ها مراحل گوناگون براساس استناد به یافته‌های سفالی تاریخی گذاری شده و طرح این یافته‌های سفالی در قسمت «سفال‌های به دست آمده از گمانه‌زنی در محوطه سروستان» در صفحه ۵۳ این مقاله و پس از آن آمده است.

### گمانه ۱

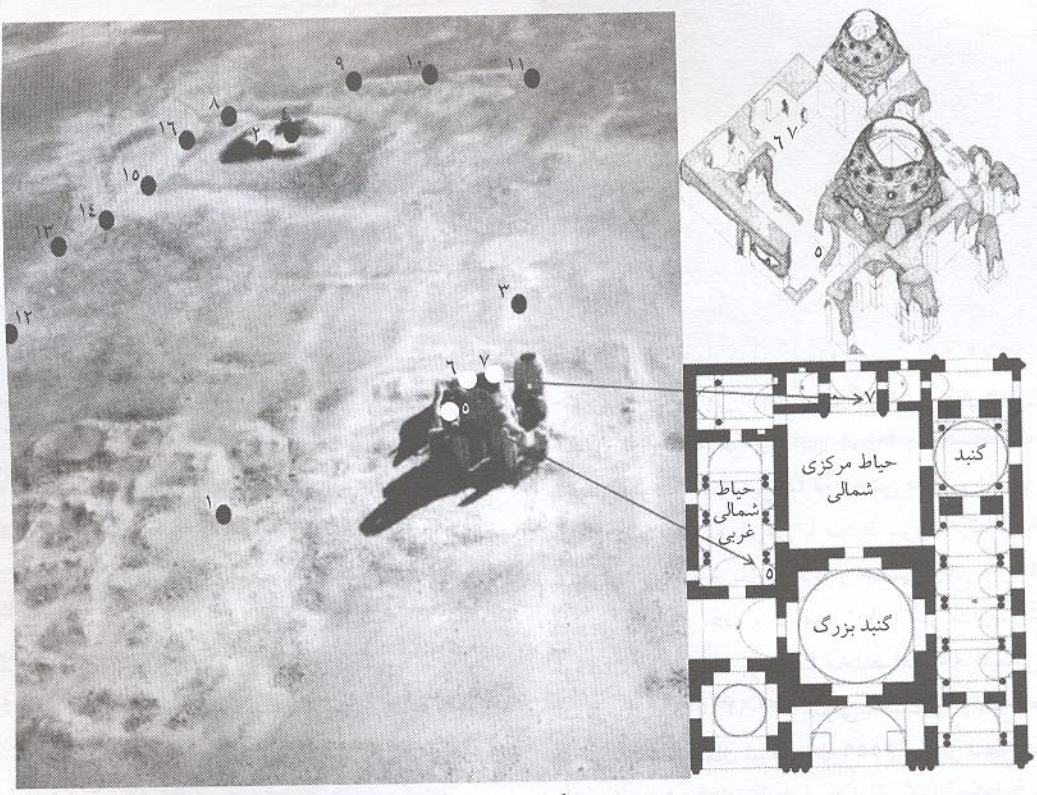
موقعیت و محدوده کار

این گمانه در فاصله ۳۵ متری بخش غربی بنا در جایی حفر شد که بقایای معماری در سطح وجود داشت (تصویر ۲). بقایای معماری در این بخش متشکل از قلوه‌سنگ‌های پراکنده در سطح بود که در اثر فعالیت کشاورزی از هم پاشیده شده بود. این گمانه به عمق حداکثر ۱/۶۰ متر کاوش شد و پایین‌تر از آن آثار فرهنگی به دست نیامد. مختصات جغرافیایی این گمانه  $53^{\circ} 13' 50''$  شمالی و  $29^{\circ} 11' 44''$  شرقی و ارتفاع مطلق گمانه بر اساس گوشه شمال شرقی آن ۱۵۵۴ متر از سطح دریاست. یافته‌های حاصل از این گمانه به چهار مرحله تعلق داشت (جدول ۱).

چشم‌انداز دقیقی از تاریخ سکونت و توالی استقرار در این محوطه به دست داد.

هشت گمانه در کل محوطه حفر شد: سه گمانه در فضای داخل بنا، دو گمانه در تپه واقع در بخش شمال غربی محوطه، یک گمانه در شمال تپه، و دو گمانه نیز در بخش شمالی و غربی بنا. هشت گمانه آزمایشی دیگر نیز در بخش‌های دیگری حفر شد که احتمال می‌رفت به شناسایی بخش‌هایی از حصار بزرگ پیرامون بنا منجر شود، زیرا در تصاویر هوایی نشانه‌هایی از یک خط ممتد طولی در شرق و غرب بنا نمایان است. همه گمانه‌ها به خاک بکر رسید و پنج دوره سکونتی شناسایی شد. برای شناخت مراحل سکونتی در هر شبکه، هر یک از واحدهایی که دارای ساختاری مشترک یا مرتبط با یک بافت سکونتی مشخص بود، در یک مرحله واحد طبقه‌بندی شد. بر این اساس، تمام مراحل استقرار از بالا به پایین از مرحله ۱ تا ۵ شماره‌گذاری و هر مرحله سکونت بنا به وجود یک ساختار معماری تعریف شد؛ اما در قسمت‌هایی که بقایای ساختار معماری وجود نداشت سطوح متوالی از لایه‌های رسوب یا خاکستر نشانه‌ای از فعالیتی آگاهانه در آن قسمت‌ها پنداشته شد. بنابراین، مراحل سکونت با توجه به بقایای یک دوره ساختمانی و در صورت نبود آن بر اساس وجود آثار مبنی بر تخریب، ترک محوطه یا رسوب طبیعی تعریف شد. به این معنی که هر مرحله ممکن است دارای مواد سکونتی یا بدون هیچ نوع ساختار سکونتی باشد.

اطلاعات حاصل از لایه‌های حفاری شده در سروستان در



تصویر ۲. موقعیت گمانه‌ها در محوطه سروستان

Pl. 2. Location of trenches in aerial photo of the building and its surroundings (after Bier 1986: Fig. 4; dots and numbers added)

جدول ۱. مراحل استقراری، نوع مواد فرهنگی و دوره‌های سکونت در گمانه ۱  
Table 1. Stratigraphic phasing, types of deposits, and cultural sequence, Sounding No. 1

مرحله	واحد	نوع استقرار	نوع مواد فرهنگی	دوره سکونت
۱	۱۰۱		شن، ماسه	
۲	۱۰۲	؟	ته‌نشست رسوب رس نرم	اوایل اسلامی
۳	۱۰۳	خاک سطحی	آوار / سنگهای کوچک	
۲	۱۰۴		رسوب رس نرم و سنگریزه	
۲	۱۰۵، ۱۰۶		خاکستر / ته‌نشست رسوب	اوایل اسلامی
۳	۱۰۷		چاله	
۴	۱۰۸، ۱۰۹	لایه سکونتی	رسوب رس فشرده و متراکم	
۳	۱۱۰		رسوب نرم قهوه‌ای	
۲	۱۱۱		ته‌نشست رس / آجر	
۳	۱۱۲، ۱۱۳		آوار / خاکستر	اوایل اسلامی
۴	۱۱۴	سطح سکونتی	آوار فشرده / ساختار؟	اواخر ساسانی
۴	۱۱۵		خاک بکر	-

### مرحله ۳

واحدهای ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴

محدوده کاوش: ۳×۳ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۳/۲۰؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۳/۱۰ متر

توصیف: مرحله سکونتی فاقد ساختار معماری

بافت این واحد متشکل از رسوب رس فشرده و متراکم و مخلوط با تکه‌های آجر، خشت و کلوخ به هم چسبیده است. در برخی قسمت‌ها خاکستر به صورت ته‌نشست یا لکه‌های ذوب‌شده مشاهده می‌شود. ساختار معماری منسجم و مشخصی وجود ندارد. به نظر می‌رسد با توجه به نبود ساختار معماری، این قسمت در حیاط و فضای سرباز قرار داشته و صرفاً آوار ساختارهای پیرامون در این قسمت انباشته شده است.

دوره فرهنگی: اواخر ساسانی - اوایل اسلامی

### مرحله ۴

واحد ۱۱۵

محدوده کاوش: ۳×۳ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۲/۵۰؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۲/۴۰ متر

توصیف: خاک بکر

این مرحله فاقد آثار معماری، بافت آن نرم و متشکل از ترکیب قله‌سنگ و رس است.

### مرحله ۱

واحد (لوکوس)های ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳

محدوده کاوش: ۳×۳ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۴؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۳/۹۰ متر

توصیف: خاک سطحی

بافت این واحد خاک سطحی سست و نرم است اما تکه‌های آجر، گچ و گل پخته به صورت پراکنده در آن وجود دارد. مواد تشکیل‌دهنده بافت این واحد شن و رس نرم و واحدهای گوناگون آن فاقد انسجام است.

دوره فرهنگی: سده‌های اولیه اسلامی

### مرحله ۲

واحدهای ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹

محدوده کاوش: ۳×۳ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۳/۸۰؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۳/۷۰ متر

توصیف: مرحله سکونتی فاقد ساختار معماری

بافتی فشرده متشکل از رسوب متراکم رس با چاله‌های کم‌عمق در سطح. توده‌های خاکستر در بخش‌های گوناگون آن انباشته شده که نشان‌دهنده استفاده احتمالی از این بخش‌ها در فضای باز و تعداد چاله‌ها دلیل استفاده گسترده و متراکم در این مرحله است.

دوره فرهنگی: سده‌های اولیه اسلامی

### گمانه ۲

موقعیت و محدوده کار

این گمانه در تپه‌ای کم‌ارتفاع به ابعاد ۱۵×۱۵ و ارتفاع ۴ متر واقع در صدمتری شمال غرب بنای مرکزی ایجاد شد (تصویر ۲). بخش مرکزی این تپه خالی و گود است و به نظر می‌رسد این تپه در واقع بنایی با پلان چهارگوش بوده که از سه طرف شمال، غرب و جنوب با جرزهایی از سنگ و گچ در مرکز هر ضلع و دیواری خشتی در حد فاصل بین این جرزها به ضخامت حداکثر ۲ متر محصور بوده است. این بنا در بخش داخلی دارای فضایی باز بوده و این فضا از ضلع شرقی با محیط بیرون ارتباط داشته است. گمانه شماره ۲ در سطح بقایای دیوار خشتی واقع در حد فاصل دو جرز جنوبی و غربی حفر و تا عمق ۲/۸۰ متر کاوش شد (تصویر ۳). موقعیت این گمانه برابر با مختصات جغرافیایی "۱۱° ۱۱' ۲۹" شمالی و "۶۱° ۱۳' ۵۳" شرقی است و ارتفاع مطلق گمانه بر اساس گوشه شمال شرقی آن ۱۵۵۹ متر از سطح دریاست. بیشترین یافته‌های حاصل از کاوش به این گمانه تعلق داشت که در ۵ مرحله طبقه‌بندی شد (جدول ۲).

جدول ۲. مراحل استقراری، نوع مواد فرهنگی و دوره‌های سکونت در گمانه ۲

Table 2. Stratigraphic phasing, type of deposit, and cultural sequence, Sounding No. 2

دوره سکونت	نوع مواد فرهنگی	نوع استقرار	واحد	مرحله	
				۱	۲
اوایل اسلامی	خاک سطحی		۲۰۱	۱	۱
	آوار خشت و لاشه‌سنگ		۲۰۳، ۲۰۲	۱	۲
	آوار خشت و کلوخ، سنگ قلوه		۲۰۵، ۲۰۴	۲	
اوایل اسلامی	آوار خشت: از نوع خاک رُس		۲۰۶	۳	
	آوار خشت متراکم	ساختار	۲۰۷	۴	
اوایل اسلامی	رسوب رُس و شن		۲۰۸	۱	۳
	رسوب رُس، ماسه	؟	۲۰۹	۲	
اوایل اسلامی	آوار خشت و آجر		۲۱۱، ۲۱۰	۱	۴ الف
	خشت و رسوب رُس و ماسه		۲۱۴، ۲۱۳، ۲۱۲	۲	
اوایل اسلامی	ساختار گچی، آوار خشت	استقرار	۲۱۷، ۲۱۶، ۲۱۵	۳	
ساسانی - اسلامی	کف، چاله و رسوب سبزرنگ	استقرار	۲۲۰، ۲۱۹، ۲۱۸	۴	
	پی خشت و قلوه‌سنگ	ساختار	۲۲۲، ۲۲۱	۵	
اواخر ساسانی	بستر شن و ماسه		۲۲۳	۱	۴ ب
	-	خاک بکر	۲۲۴	۱	۵

ضخامت این واحد از گوشه غربی به طرف شرق گمانه بین ۲۰ تا ۴۰ سانتی متر متفاوت است.

دوره فرهنگی: سده‌های اولیه اسلامی

### مرحله ۲

واحدهای ۲۰۲ تا ۲۰۷

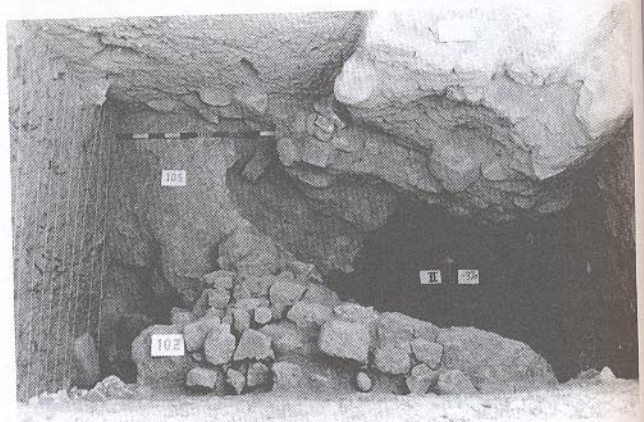
محدوده کاوش: ۳/۰۰×۱/۵۰ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۸/۲۰؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۸ متر

توصیف: دوره سکونت همراه با بقایای معماری؟

در این مرحله لایه‌ای به ضخامت ۸۰ سانتی‌متر متشکل از آواری از خشت متراکم در ترکیب با آجر، گچ و قلوه‌سنگ وجود دارد (نمودار ۱).

در سراسر این مرحله توده‌های آوار خشت به صورت کلوخ‌های سفت به دست آمد. از آنجا که این گمانه بر سطح تپه و در کنار سازه‌ای از سنگ و گچ حفر شده بود به نظر می‌رسد که آوار خشت همراه با سنگ و آجر در سراسر این مرحله حاصل تخریب ساختمانی بزرگ است که آوار رسوبی و مواد باستانی آن به شدت درهم کوبیده شده است. برش لایه‌نگاری نشان می‌دهد که آوار خشت تمام سطح گمانه ۲ را پوشانده. این مرحله از استقرار یک لایه ضخیم از آوار ساختمانی است که به شدت متراکم شده و مواد فرهنگی در آن نظیر یافته‌های سفالی، چندین حلقه شیشه‌ای و به‌ویژه دو قطعه



تصویر ۳. بقایای ساخت‌وساز در گمانه شماره ۲

Pl. 3. Construction features, Sounding No. 2

### مرحله ۱

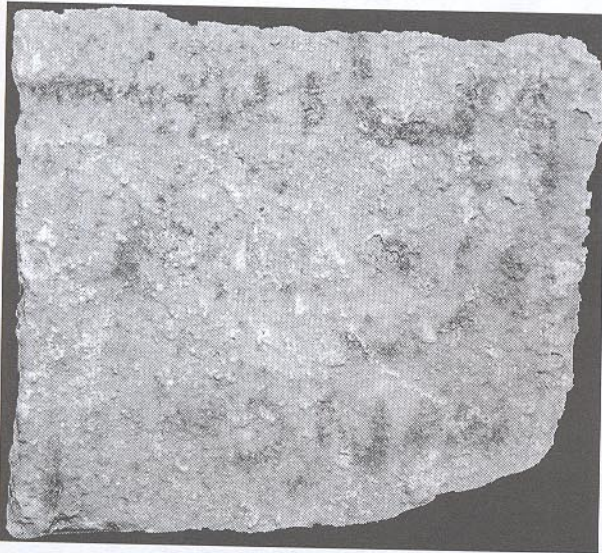
واحدهای ۲۰۰، ۲۰۱

محدوده کاوش: ۳/۰۰×۱/۵۰ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۹؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۸/۶۵ متر

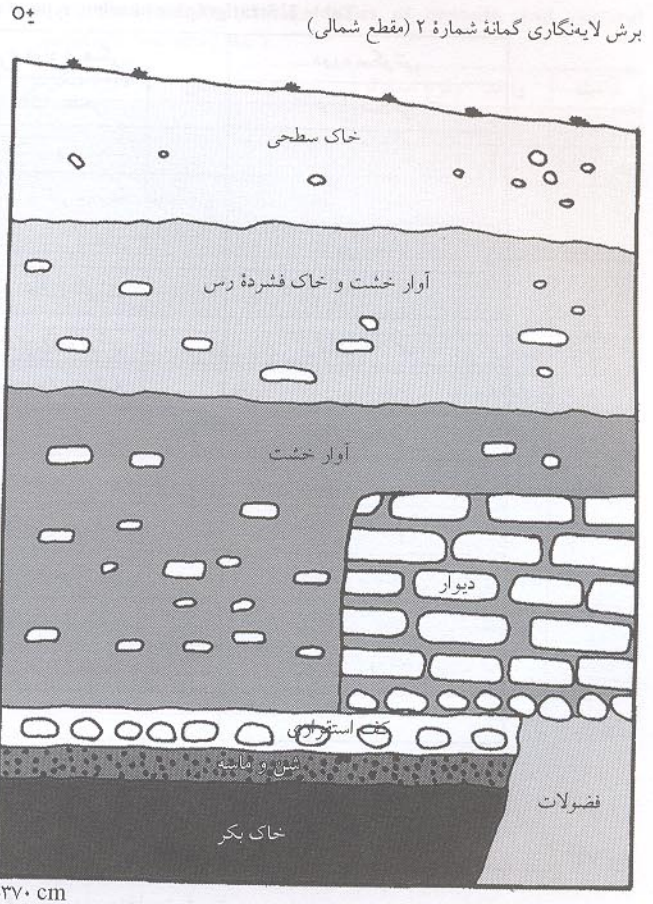
توصیف: خاک سطحی

خاک سطحی این قسمت ترکیبی از رُس نرم، شن، ماسه و بافت آن سست و نرم بود. به دلیل وجود شیب در این قسمت از سطح محوطه



تصویر ۴. سفال‌نشته به دست آمده از عمق ۴۰ سانتی متری گمانه ۲، خط پهلوی شکسته ساسانی

Pl. 4. Ostracon from Sounding No. 2 with cursive Pahlavi script



نمودار ۱. برش لایه‌نگاری گمانه ۲  
Diag. 1. Stratigraphic section, Sounding No 2

سفال‌نشته به خط پهلوی شکسته ساسانی نشان می‌دهد که در این مرحله سکونت فعال وجود داشته است. هر دو سفال‌نشته با توجه به نوع خط (پهلوی شکسته متصل) به اواخر دوره ساسانی تاریخ‌گذاری شد. هر چند تفکیک مواد فرهنگی این مرحله از مرحله ۴ به دلیل شباهت بسیار دشوار است، باید توجه کرد که در حد فاصل این دو مرحله استقراری، مرحله ۳ فاقد هر نوع ساختار است. شباهت آثار مرحله ۲ و ۴ و ضخامت اندک مرحله ۳ نشان می‌دهد که این محوطه در مرحله دوم، بلافاصله دوباره مسکون شده است.

دوره فرهنگی: اواخر ساسانی - اوایل اسلامی  
به استناد یافته‌های سفالی و کتیبه پهلوی شکسته (تصویر ۴)

### مرحله ۳

واحدهای ۲۰۸، ۲۰۹

محدوده کاوش: ۳/۰۰×۱/۵۰ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۷/۴۰؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۷/۲۰ متر

توصیف: فاقد ساختار

این مرحله متشکل از رسوبات شن، ماسه و رس است که درون آن فقط کمی خشت وجود دارد. ضخامت این واحد حدود ۲۰ سانتی متر و ساختار بافت و مواد فرهنگی موجود در آن پراکنده و فاقد انسجام است. بافت لایه خشک و ترد است و رسوب در آن نشان می‌دهد که این مرحله متروکه بوده و بافت آن بیشتر رسوب به‌جای مانده از محدوده پیرامون است. اما در سطح بالاتر از آن، به یکباره بافت و شکل واحدها تغییر می‌کند که این موضوع را در توصیف دومین مرحله استقراری بررسی می‌کنیم.

دوره فرهنگی: سده‌های اولیه اسلامی

جدول ۳. مراحل استقراری، نوع مواد فرهنگی و دوره‌های سکونت در گمانه ۴

Table 3. Stratigraphic phasing, types of deposits, and cultural sequence, Sounding No. 4

دوره سکونت	نوع مواد فرهنگی	نوع استقرار	واحد	مرحله	
	خاک سطحی		۴۰۱	۱	۱
	رسوب رُس و خاکستر		۴۰۳، ۴۰۲	۱	۲
اوایل اسلامی	رُس، شن و خاکستر		۴۰۴	۲	
	آوار لاشه‌سنگ‌های سوخته و رُس		۴۰۶، ۴۰۵	۳	
	رسوب رُس، شن، گچ	لایه سکونت	۴۰۷	۴	
	آوار گچ و لاشه‌سنگ، رسوب		۴۰۸	۱	۳ الف
اوایل اسلامی	گچ، رُس، ماسه		۴۰۹	۲	
اوایل اسلامی	آوار ملات گچ، و رسوب رُس	ساختار	۴۱۲، ۴۱۱، ۴۱۰	۱	۳ ب
	رسوب فشرده، گچ	سطح سکونت	۴۱۳	۲	
	ماسه		۴۱۴	۱	۳ ج
	-	خاک بکر	۴۱۵	۲	۴

حدهای ۲۱۰ تا ۲۲۳

محدوده کاوش: ۳/۰۰×۱/۵۰ متر

نقاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۷/۲۰؛ پایین‌ترین

سمت ۱۵۵۶/۴۰ متر

توصیف: دوره سکونت با ساختار معماری

بر مجموعه الف از مرحله ۴: روی بستر

مرحله ۴ ب، ابتدا ساختاری از قلوه سنگ (واحد

۲۲) و سپس بر سطح آن ساختاری خشتی

(واحد ۲۲۱) دیده می‌شود (تصویر ۳). اگرچه

مر دو واحد به شدت تخریب شده و فقط

بخشی از پی آن باقی مانده است و همجوار با

آن کنی از گچ وجود دارد (واحد ۲۲۰). در

گوشه جنوبی این واحد، چاله‌ای (واحد ۲۱۹)

مملو از رسوب مایل به سبز با عمقی حدود ۷۰

سانتی‌متر و با پهنایی حدود ۵۰ سانتی‌متر در

پایین و ۳۰ سانتی‌متر در بالا بود (نمودار ۱). از این گودال ۸

کیلوگرم خاک سبزرنگ به دست آمد. با توجه به واقع شدن آن در

گوشه کف استقراری به احتمال چاله‌ای برای دفع فضولات بوده

است. از این نوع دستشویی کنده شده در گوشه راهروها در میانه

دوره ساسانی در محوطه حاجی‌آباد داراب شناسایی شده است

(آذرنوش، گفتگوی حضوری). تمام سطح این واحد با آوار خشت

به ضخامت ۴۰ تا ۶۰ سانتی‌متر پوشانده شده بود. به نظر می‌رسد

مواد موجود در سطح این مرحله نشان می‌دهد که پس از آن

محوطه مدتی متروک مانده است.

زیرمجموعه ب از مرحله ۴: لایه‌ای به ضخامت ۲۰ سانتی‌متر با

بافتی متشکل از شن و ماسه. به نظر می‌رسد مواد بافت این واحد

با به‌عمد به عنوان بخش زیرین پی ساختمان با ترکیبی از شن و

ماسه پی‌ریزی کرده‌اند. در ترکیب آن‌ها نوعی آهک یا شفته آهک

نیز وجود دارد (نمودار ۱). این مرحله در زیر واحد ۴ الف قرار

دارد.

دوره فرهنگی: ساسانی - اسلامی

### گمانه ۳

موقعیت و محدوده کاوش

برای روشن شدن محدوده شمالی بنای مرکزی، در ۳۵ متری شمال آن و در

بخشی که روی عکس‌های هوایی به صورت لکه‌ای تاریک و مدور با قطر

تقریبی ۲۰ متر دیده می‌شد، گمانه‌ای با ابعاد ۲×۲ متر حفر شد (تصویر ۲).

پس از ۲۰ سانتی‌متر کاوش، ابعاد گمانه به ۱×۱ متر کاهش یافت و تا عمق

۲ متر ادامه یافت. موقعیت این گمانه برابر با مختصات جغرافیایی

"۴۷/۰' ۱۱' ۲۹° شمالی و "۵۴/۶' ۱۳' ۰۵۳° شرقی است و ارتفاع مطلق

گمانه بر اساس گوشه شمال شرقی آن ۱۵۵۱ متر از سطح دریاست.

محدوده کاوش: ۲/۰۰×۲/۰۰ متر ۱/۰۰×۱/۰۰ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۱؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۴۹/۸۰ متر

توصیف: فاقد مواد فرهنگی

معماری: تا عمق دو متر هیچ سازه‌ای در این گمانه به دست نیامد.

یافته‌ها: از این گمانه اثر فرهنگی به دست نیامد. این قسمت به دلیل

وجود لکه‌ای تاریک روی تصاویر هوایی و تردید در مورد وجود

احتمالی آبنگین جلو کاخ کاوش شد.

### گمانه ۴

موقعیت و محدوده کاوش

این گمانه در بخش مرکزی تپه (سطح آن ۱/۴۰ متر از سطح گمانه

شماره ۲ پائین‌تر است) واقع در شمال غربی کاخ و در هفت متری

شمال شرقی گمانه شماره ۲ کاوش شد (تصویر ۲، جدول ۳).

موقعیت این گمانه برابر با مختصات جغرافیایی "۵۳/۴' ۱۱' ۲۹°

شمالی و "۵۴/۰' ۱۳' ۰۵۳° شرقی است و ارتفاع مطلق گمانه بر اساس

### مرحله ۵

واحد ۲۲۴

محدوده کاوش: ۳/۰۰×۱/۵۰ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۶/۴۰؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۶/۲۰ متر

توصیف: خاک بکر

در عمق ۲/۶۰ متر، از سطح شبکه، مواد فرهنگی تمام شد. بافت این

مواد رسوب رس زردرنگ فشرده با بافتی یکدست در ترکیب با کمی

شن نرم بود.

گوشه شمال شرقی آن ۱۵۵۷/۶۰ متر از سطح دریاست. (تصویر ۲) و تا عمق ۲/۳۰ متر کاوش شد.

### مرحله ۱

واحد‌های ۴۰۰، ۴۰۱

محدوده کاوش: ۲/۰۰×۲/۰۰ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۷/۶۰؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۷/۵۰ متر

توصیف: خاک سطحی

بافت این واحد سست، فاقد انسجام و خاک آن نرم در ترکیب با سنگریزه، شن، گچ و ماسه است. مواد موجود در این واحد حاصل از رسوب مواد سطوح پیرامون بود (تصویر ۵، جدول ۳).

### مرحله ۲

واحد‌های ۴۰۲ تا ۴۰۷

محدوده کاوش: ۲/۰۰×۲/۰۰ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۷/۵۰؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۶/۷۰ متر

توصیف: مرحله سکونتی

لایه‌ای از رسوب رُس نرم در ترکیب با شن، ماسه و ته‌نشست گچ از این مرحله به دست آمد. در بافت تعدادی از واحد‌های این مرحله ته‌نشست‌های رسوب نرم خاکستر به صورت لکه‌هایی نمایان شد (واحد‌های ۴۰۳، ۴۰۴). چندین قطعه قلوه‌سنگ دودزده و سوخته در بافت این مرحله به دست آمد. آثار سوختگی دیده‌شده در بافت واحد‌های این مرحله نشان می‌دهد که سکونتی هر چند کوتاه در این مرحله وجود داشته است. عمده یافته‌های فرهنگی این گمانه از این مرحله به دست آمد، زیرا پایین‌تر از این مرحله آوار سنگ و گچ (مرحله ۳) تمام سطح محدوده کاوش را فرا گرفته بود. یک نمونه دستبند شیشه‌ای شکسته و ته یک ظرف شیشه‌ای از این مرحله به دست آمد.

دوره فرهنگی: سده‌های اولیه اسلامی

### مرحله ۳

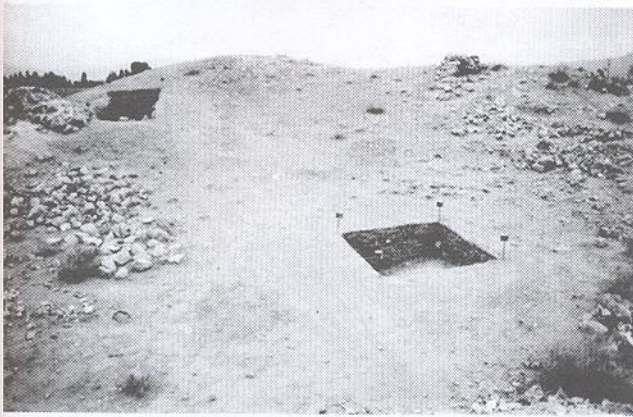
واحد‌های ۴۰۸ تا ۴۱۴

محدوده کاوش: ۲/۰۰×۲/۰۰ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۶/۷۰؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۵/۴۰ متر

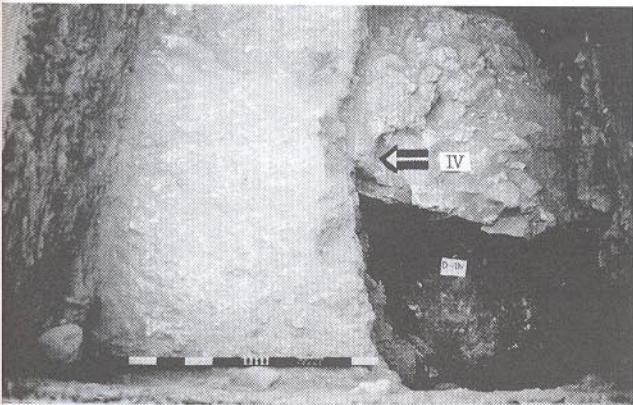
توصیف: مرحله سکونتی همراه با ساختار معماری (تصویر ۵)

زیرمجموعه الف از مرحله ۳: آوار فشرده گچ، تکه‌های آجر و سنگ‌های لاشه به صورت متراکم و فشرده به ضخامت یک متر تمام سطح مرحله ۳ را پوشانده بود. همچنین، آوار گچ در ترکیب با نخاله گچ، شفته، سفال و آجرهای شکسته و چند نمونه آجر به ابعاد ۲۷×۲۷×۷ سانتی‌متر و دو قطعه کوچک گچبری با تزئین پنجه‌کش مرطوب به دست آمد. ابعاد آجرهای به‌دست‌آمده از این مرحله با



تصویر ۵. تپه واقع در شمال غربی محوطه ساسانی: گمانه‌های ۲ و ۴

Pl. 5. Lower mound in northwestern part of the site, Soundings Nos. 2 and 4



تصویر ۶. سازه‌های موجود در گمانه ۴

Pl. 6. Architectural features, Sounding No. 4

آجرهای به‌کاررفته در گنبد بنای اصلی مشابه است. ساختارهای معماری این مرحله (تصویر ۶) محدود به همین آوارهای گسترده ساختمانی است، اما ارتباط این واحدها با ساختارهای پیرامون به دلیل محدودیت فضای کاوش مشخص نشد.

زیرمجموعه ب از مرحله ۳: لایه‌ای متراکم و فشرده از گچ و قلوه‌سنگ به ضخامت حدود ۲۰ سانتی‌متر به دست آمد. ساختار این واحد متلاشی شده و آوار روی آن بر اثر رسوبات و گچ در هم ترکیب شده بود. سطح این واحد تاحدودی مسطح و احتمالاً یک سطح استقرار بوده است.

زیرمجموعه ج از مرحله ۳: در پایین‌ترین بخش این مرحله لایه‌ای با ترکیبی از شن نرم و سنگریزه به ضخامت ۱۰ سانتی‌متر به دست آمد که بر اثر فشار آوار سنگ و گچ بری، سطح آن به‌شدت به هم ریخته و به‌سختی محفوظ مانده بود. به نظر می‌رسد این واحد با هدف فراهم شدن بستری مرتبط با ساختارهای سطح آن ایجاد شده است.

دوره فرهنگی: اواخر ساسانی - اوایل اسلامی

جدول ۴. مراحل استقراری، نوع مواد فرهنگی و دوره‌های سکونتی در گمانه ۵

Table 4. Stratigraphic phasing, type of deposit, and the cultural sequence, Sounding No. 5

دوره سکونتی	نوع مواد فرهنگی	نوع استقرار	واحد	مرحله	
	خاک سطحی	خاک سطحی	۵۰۱	۱	۱
	خاک دست‌ریز، نخاله گچ، رس، ماسه		۵۰۲	۲	
	ماسه‌بادی نرم		۵۰۳	۱	۲
اوایل اسلامی	کف استقراری	سطح سکونتی	۵۰۴	۱	۳ الف
اوایل اسلامی	ماسه، ریگ، سنگریزه	بستر زیر سطح سکونتی	۵۰۵	۱	۳ ب
	ساقه‌ستون (لاشه سنگ و گچ)		۵۰۶	۱	۳ ج
	پایه‌ستون (لاشه سنگ و گچ)		۵۰۷	۲	
اوایل اسلامی	پی دیوار (لاشه سنگ و گچ)	ساختار	۵۰۸	۳	
	رس و ماسه	خاک بکر	۵۰۹	۱	۴



جغرافیایی آن  $29^{\circ} 11' 44/3''$  شمالی و  $51^{\circ} 13' 05/3''$  شرقی و ارتفاع مطلق آن بر اساس گوشه شمال شرقی  $1553/70$  متر از سطح دریاست. این گمانه تا عمق  $230$  سانتی‌متر کاوش و سه مرحله استقرار در آن شناسایی شد (جدول ۴).

### مرحله ۱

واحد ۵۰۱

محدوده کاوش:  $3/00 \times 1/50$  متر

ارتفاع: بالاترین قسمت  $1553/70$ ؛ پایین‌ترین قسمت  $1553/10$  متر

توصیف: خاک سطحی

واحد خاک سطحی در این قسمت متشکل از قلوه‌سنگ‌های متعدد در ابعاد  $40 \times 30$  سانتی‌متر، همراه با نخاله گچ، رس، سنگریزه و ماسه است. قلوه‌سنگ‌ها به دیواره‌های اطراف تعلق دارد. این لایه به ضخامت  $60$  سانتی‌متر روی سطح ماسه‌بادی مرحله ۲ قرار دارد. بر اثر رسوب رس حاصل از کاه‌گل و گچ دیواره‌های پیرامون به‌مرور لایه محکمی در سراسر کف بنا ایجاد شده است.

### مرحله ۲

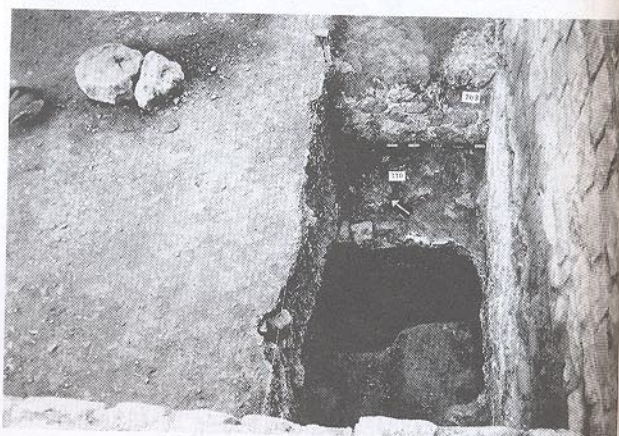
واحد ۵۰۲

محدوده کاوش:  $3/00 \times 1/50$  متر

ارتفاع: بالاترین قسمت  $1553/10$ ؛ پایین‌ترین قسمت  $1553$  متر

توصیف: فاقد مواد سکونتی

یک لایه ماسه‌بادی نرم به ضخامت  $10$  سانتی‌متر که در سال‌های گذشته برای پر کردن ناهمواری‌های کف بنا در سراسر این قسمت ریخته شده تمام سطح را پوشانده است.



تصویر ۷. گمانه ۵ واقع در بخش غربی بنا

Pl. 7. Sounding No. 5, inside of the western part of the building

### مرحله ۴

واحد ۴۱۵

محدوده کاوش:  $2/00 \times 2/00$  متر

ارتفاع: بالاترین قسمت  $1555/40$ ؛ پایین‌ترین قسمت  $1555/30$  متر

توصیف: خاک بکر

در عمق  $2/30$  متر لایه‌ای از رس نرم و شن به دست آمد که فاقد مواد فرهنگی بود.

### گمانه ۵

موقعیت و محدوده کاوش

گمانه ۵ همراه با دو گمانه ۶ و ۷ در محدوده بنای منسوب به کاخ حفر شد (تصویر ۲). این گمانه در گوشه جنوب شرقی در قسمت مستطیل شکل بخش غربی بنای مرکزی (تالار شمالی-جنوبی ستون‌دار در بخش غربی بنا) در کنار دیوار گنبد حفر شد (تصویر ۷). مختصات

### مرحله ۳

واحدهای ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸

محدوده کاوش: ۳/۰۰×۱/۵۰ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۳؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۱/۵۰ متر

توصیف: مرحله سکونتی همراه با ساختار معماری

زیرمجموعه الف از مرحله ۳: کف بنا روی سطح مرحله ۳ ایجاد شده است. در این واحد گچ، شفته، رس و شن به صورت ترکیبی و بافت آن سفت و محکم است. ساختار این سطح به هم ریخته و از هم پاشیده است. این واحد به احتمال سطح قابل سکونت بنا بوده است.

زیرمجموعه ب از مرحله ۳: پیرامون پی بنا و ستون موجود در این قسمت، با شن و ماسه، ریگ و سنگریزه، به قصد ایجاد یک سطح به احتمال قابل سکونت پر شده است.

زیرمجموعه ج از مرحله ۳: پی دیواره بنا، پایه ستون و ستون موجود در سطح آن از لاشه سنگ و گچ است. نمای لاشه سنگ‌های به کار رفته در این ساختارها بادبرده است و در بین آن‌ها ملات گچ به کار رفته است. دوره فرهنگی: سده‌های اولیه اسلامی

### مرحله ۴

واحد ۵۰۹

محدوده کاوش: ۳/۰۰×۱/۵۰ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۱/۵۰؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۱/۴۰ متر

توصیف: خاک بکر

در زیر پی بنا، بافت خاک رُس متشکل از ریگ، رُس و شن به دست آمد. رس در این قسمت با شن نرم ترکیب شده بود.

### گمانه ۶

موقعیت و محدوده کاوش

این گمانه در بخش شمال غربی حیاط مرکزی بنا در کنار دیوار اتاق مربع شکل سمت چپ حفر شد (تصویر ۲). مختصات جغرافیایی آن  $29^{\circ} 11' 44.9''$  شمالی و  $52^{\circ} 13' 05.3''$  شرقی است و ارتفاع مطلق آن بر اساس گوشه شمال شرقی ۱۵۵۳/۷۰ متر از سطح دریاست. این گمانه تا عمق ۲۴۰ سانتی‌متر کاوش و بر اساس برش لایه‌نگاری مشخص شد که پی دیوار بنا تا عمق ۷۰ سانتی‌متری ادامه می‌یابد (نمودار ۲). در این گمانه سه مرحله استقرار شناسایی شد (جدول ۵).

### مرحله ۱

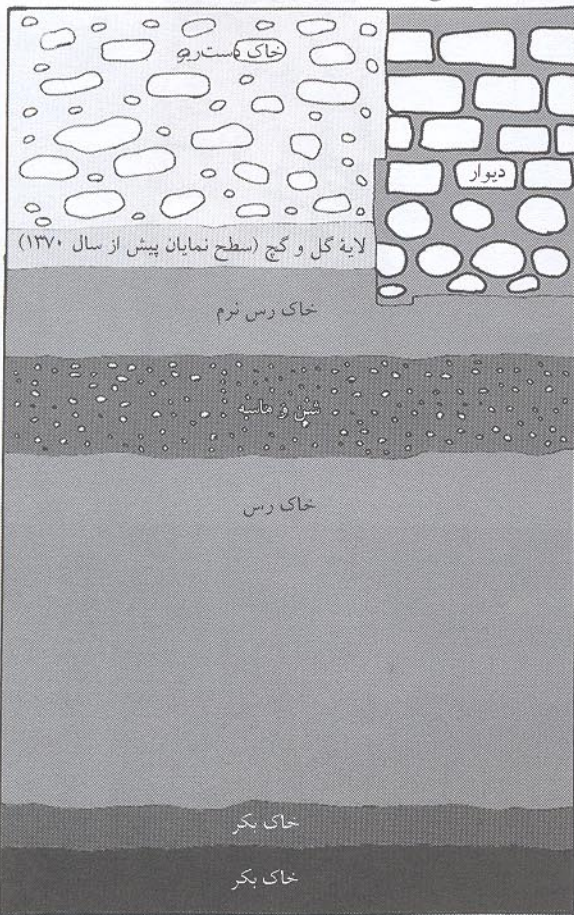
واحد ۶۰۱، ۶۰۲

محدوده کاوش: ۲/۰۰×۱/۰۰ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۳/۷۰؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۳/۱۰ متر

توصیف: خاک سطحی

گمانه شماره ۶ (مقطع شمالی)



نمودار ۲. برش لایه‌نگاری گمانه شماره ۶

Diag. 2. Stratigraphic section, Sounding No. 6

لایه‌ای خاک دست‌ریز به ضخامت حدود ۷۰ سانتی‌متر متشکل از شن، ماسه، رس و قلوه‌سنگ‌هایی به ابعاد  $20 \times 10$  سانتی‌متر روی سطح مرحله ۲ وجود داشت. این خاک را سال‌ها پیش برای هم‌سطح شدن سطح فضای داخلی مجموعه در تمام سطح ریخته‌اند.

### مرحله ۲

واحد ۶۰۳

محدوده کاوش: ۲/۰۰×۱/۰۰ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۳/۱۰؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۳ متر

توصیف: فاقد سکونت

لایه‌ای از خاک دست‌ریز متشکل از ماسه‌بادی نرم روی سطح سکونتی مرحله ۳ الف وجود داشت که به احتمال برای حفاظت از

### حاشیه

۱. خاک‌ریزی و پرکردن کف حیاط را در دهه ۱۳۷۰ آقای پرویز محیط، نگهبان کاخ، یادآوری کرد که در کاوش گمانه‌های این قسمت نظر وی تأیید شد.



و گاهنگاری این دو بخش حایز اهمیت است، اما اینکه چرا دیوار گوشه سمت چپ حیاط شمالی در گمانه ۶ پی ندارد به احتمال به بار سبک دیوار مربوط است که خطر رانش نداشته است.

دوره فرهنگی: اواخر ساسانی؟ سده‌های اولیه اسلامی، سده‌های میانه اسلامی

### مرحله ۴

واحد‌های ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹

محدوده کاوش: ۲/۰۰×۱/۰۰ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۲/۵۰؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۱/۳۰ متر

توصیف: خاک بکر

بافت خاک بکر به ضخامت ۱/۲۰ متر متشکل از چند لایه پی‌درپی رسوب بود. بالاترین بخش آن متشکل از رسوب شن و ماسه نرم بود و در زیر آن لایه‌ای زرد رنگ مایل به قهوه‌ای روشن از رسوب رس نرم با بافت یکدست وجود داشت. در پائین‌ترین بخش نیز لایه‌ای از رس نرم در ترکیب با ماسه‌بادی انبوه و سپس رس در ترکیب با ریگ به دست آمد. در واقع سه لایه رسوب طبیعی با بافت کم‌وبیش مشابه نشان‌دهنده رسوب در لایه‌های متوالی است که بنای بزرگ معروف به کاخ روی آن بنا شده است.

### گمانه ۷

موقعیت و محدوده کاوش

این گمانه در بخش سمت راست حیاط شمالی و در پای دیوار گنبد شمال شرقی بنا ایجاد شد. مختصات جغرافیایی آن ۲۹° ۱۱' ۴۴/۹" شمالی و ۵۳° ۱۳' ۵۳/۵" شرقی است و ارتفاع مطلق آن بر اساس گوشه شمال شرقی آن ۱۵۵۳/۷۰ متر از سطح دریاست. این گمانه تا عمق ۲۳۰ سانتی‌متر کاوش (تصویر ۸) و در آن سه مرحله استقرار شناسایی شد (نمودار ۳، جدول ۶).

### مرحله ۱

واحد ۷۰۱

محدوده کاوش: ۲/۰۰×۱/۰۰ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۳/۷۰؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۳/۱۰ متر

توصیف: خاک سطحی

خاک سطحی در این قسمت به ضخامت ۶۰ تا ۷۰ سانتی‌متر متشکل از رس، شن، ماسه، نخاله گچ، ریگ، سنگریزه و قلوه‌سنگ‌های کوچک روی کف استقراری مرحله ۳ الف است. این واحد در سال‌های گذشته با هدف همسطح کردن سطح حیاط شمالی به این قسمت اضافه شده است.

جدول ۵. مراحل استقراری، نوع مواد فرهنگی و دوره‌های سکونت در گمانه ۶

Table 5. Stratigraphic phasing, type of deposit, and the cultural sequence, Sounding No. 6

مرحله	واحد	نوع استقرار	نوع مواد فرهنگی	دوره سکونت
۱	۱	خاک سطحی	خاک سطحی	
۲	۲	خاک دست‌ریز، نخاله گچ، رس، ماسه		
۲	۱		ماسه‌بادی نرم	
۳ الف	۱	سطح سکونت	کف استقراری	سده‌های میانه اسلامی
۳ ب	۱		دیوار (لاشه‌سنگ و گچ)	اوایل اسلامی
۲	۲	ساختار	دیوار (لاشه‌سنگ و گچ)	ساسانی؟ - اسلامی
۴	۱		شن و ریگ	
۴	۲		رسوب رس	
۴	۳	خاک بکر	شن، ماسه، رسوب رس	

کف استقراری فضای داخل مجموعه در این قسمت ریخته شده بود. زیرا روی این واحد لایه ضخیم خاک سطحی مرحله ۱ قرار داشت که در سال‌های گذشته برای پر کردن و همسطح کردن تمام سطح داخل بنا استفاده شده است.

### مرحله ۳

واحد ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶

محدوده کاوش: ۲/۰۰×۱/۰۰ متر

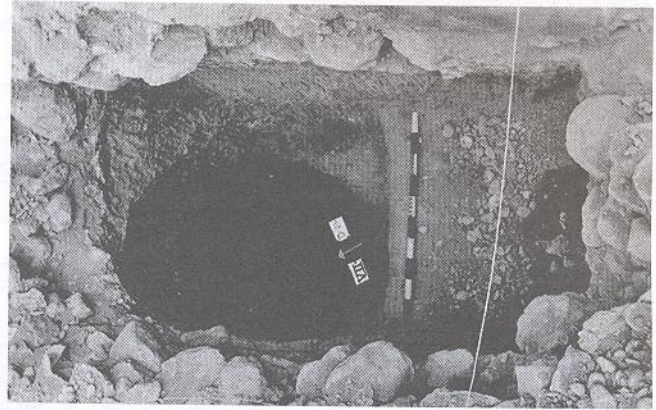
ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۳؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۲/۵۰ متر

توصیف: دوره سکونت همراه با ساختار معماری

زیرمجموعه الف از مرحله ۳: لایه آشفته‌ای از گچ فشرده به ضخامت ۵ سانتی‌متر وجود دارد که به احتمال کف استقراری مرتبط با ساختارهای مرحله ۳ ب بوده که در مرحله ۳ الف دوباره استفاده شده است. سطح این واحد به شدت آشفته و تخریب شده بود.

زیرمجموعه ب از مرحله ۳: با حفر گمانه در گوشه شمال غربی حیاط، دو پی دیوار متشکل از سنگ و گچ نمایان شد. ابعاد لاشه‌سنگ‌های نوع باد برده در دیوار این بنا، به طور معمول ۴۰×۳۰ سانتی‌متر است که با ملات گچ در بنا به کار رفته است. دیوار بنا در این قسمت، برخلاف گمانه ۵، فاقد پی است و دیوار درست بر سطح خاک بنا نهاده شده است. به احتمال این تفاوت ناشی از سنگینی بار دیوار در گمانه ۵ است، زیرا به دلیل بار سنگین گنبد مرکزی نیاز بوده تا بستر و پی دیوارها و ستون‌های حیاط شمال غربی به هم مرتبط و محکم پی‌ریزی شود تا از هر نوع رانش در آن قسمت در اثر فشار بنای گنبد جلوگیری کند. در حیاط شمال غربی، پی دیوار گنبد و پایه‌ستون‌ها به هم متصل بوده و بر همین اساس فضای شمال غربی بنا نمی‌تواند به عنوان بخش الحاقی و متأخر به بنای گنبد اضافه شده باشد. بنابراین شناخت هم‌زمانی دوره ساخت بنای گنبد مرکزی و حیاط ستون‌دار شمال غربی برای کارکرد

چاله‌ای به پهنای ۷۰ سانتی‌متر و عمق ۱/۰۰ متر در زیر مرحله ۳ و در دل خاک بکر مرحله ۴ به دست آمد. این چاله مملو از خاکستر همراه با زغال، استخوان، و سفال بود که بنا به موقعیت لایه‌نگاری در دوره‌ای متأخرتر از مرحله استقرار ۳ کنده شده و مواد موجود در آن از نظر لایه‌نگاری با مرحله ۳ ارتباطی ندارد. شروع این چاله در محدوده کاوش نمایان نشد بلکه این چاله در عمق حدود ۱ متر به یکباره نمایان شد و به نظر می‌رسد برش آن در یکی از بازوهای گمانه به طرف بالا امتداد داشته است. دوره فرهنگی: سده‌های میانه اسلامی، دوره مظفری



تصویر ۸. گمانه ۷ واقع در گوشه شمال غربی حیاط مرکزی بنا  
Pl. 8. Sounding No. 7, northwestern corner of central court of the main building

جدول ۶. مراحل استقراری، نوع مواد فرهنگی و دوره‌های سکونتی در گمانه ۷

Table 6. Stratigraphic phasing, type of deposits, and cultural sequence, Sounding No. 7

دوره سکونتی	نوع مواد فرهنگی	نوع استقرار	واحد	مرحله
	خاک دست‌ریز، نخاله گچ، رس، ماسه	خاک سطحی	۷۰۱	۱
سده‌های میانه اسلامی	پرشدگی چاله (خاکستر)		۷۰۲	۲
	چاله	لایه سکونتی	۷۰۳	۲
اوایل اسلامی	کف استقراری	سطح سکونتی	۷۰۴	۳ الف
ساسانی؟ - اسلامی	لایه نازک خاکستر		۷۰۵	۲
اوایل اسلامی	دیوار (لاشه سنگ و گچ)	ساختار	۷۰۶	۳ ب
	شن و ماسه		۷۰۷	۴
	رس	خاک بکر	۷۰۸	۲

### مرحله ۳

واحدهای ۷۰۶، ۷۰۵، ۷۰۴

محدوده کاوش: ۲/۰۰×۱/۰۰ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۲/۶۰؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۲/۱۰ متر

توصیف: مرحله سکونتی همراه با ساختار معماری

زیرمجموعه الف از مرحله ۳: لایه‌ای نازک، در حدود ۲ سانتی‌متر از خاکستر، زیر سطح گل و گچی به ضخامت ۳ تا ۵ سانتی‌متر قرار دارد.

اگرچه سطح کف به شدت تخریب شده و فقط در بخش‌هایی از گمانه نمایان است، لایه نازک خاکستر به طور پیوسته در زیر آن وجود دارد.

تمام سطح این واحد با خاک سطحی (مرحله ۱) پوشانده شده و به عنوان سطحی سکونتی با ساختارهای معماری مرحله ۳ مرتبط است.

زیرمجموعه ب از مرحله ۳: در این مرحله دیواری متشکل از لاشه‌سنگ‌های نوع بادبرده در ابعاد ۵۰×۳۰ و ۵۰×۴۰ سانتی‌متر همراه با ملات گچ وجود دارد. این دیوار بدون پی بر سطح خاک بنا شده و کف استقراری مرتبط با آن (۳ الف) پیش از پر شدن فضای بنا در سال‌های گذشته نمایان بوده است.

دوره فرهنگی: اواخر ساسانی؟ - اوایل اسلامی

گمانه شماره ۷ (مقطع غربی)



نمودار ۳. برش لایه‌نگاری گمانه ۷

Diag. 3. Stratigraphic section, Sounding No. 7

### مرحله ۲

واحدهای ۷۰۳، ۷۰۲

محدوده کاوش: ۲/۰۰×۱/۰۰ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۲/۷۰؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۱/۹۰ متر

توصیف: لایه سکونتی فاقد سازه معماری

جدول ۷. مراحل استقراری، نوع مواد فرهنگی و دوره‌های سکونتی در گمانه ۸  
Table 7. Stratigraphic phasing, type of deposits, and the cultural sequence, Sounding No. 8

مرحله	واحد	نوع استقرار	نوع مواد فرهنگی	دوره سکونتی
۱	۸۰۱	خاک سطحی	شن و رس	
۲ الف	۸۰۲		ماسه‌بادی، شن و ریگ	ساسانی - اسلامی
۲	۸۰۳	سطح سکونتی	رس فشرده، کلوخ	
۲ ب	۸۰۴، ۸۰۵	ساختار	لاشه سنگ و ملات گچ	اوایل اسلامی
۳	۸۰۶	خاک بکر	رسوب رس فشرده و ریگ	

یک لایه خاک رس نرم در ترکیب با شن به ضخامت ۱۰ سانتی‌متر تمام سطح مرحله استقراری ۲ را پوشانده بود، به شکلی که پیش از کاوش فقط سطح بالای ساختارهای معماری مرحله ۲ نمایان بود.

### مرحله ۲

واحدهای ۸۰۲ تا ۸۰۵

محدوده کاوش: ۲/۵۰×۲/۵۰ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۰/۹۰؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۰/۴۰ متر

توصیف: مرحله سکونتی همراه با ساختار معماری

زیرمجموعه الف از مرحله ۲: یک لایه گل فشرده قهوه‌ای همراه با کلوخ حاصل از رسوب رس بین دو سازه معماری در پایین‌ترین سطح پی این سازه‌ها به دست آمد. این لایه به احتمال به سطح سکونتی مرتبط با این سازه‌ها مربوط است. روی سطح این قسمت را لایه‌ای از ماسه و شن نرم همراه با کمی ریگ به ضخامت ۲۰ تا ۳۰ سانتی‌متر پوشانده است.

زیرمجموعه ب از مرحله ۲: دو سازه معماری به فاصله حداکثر ۳ متر به صورت ستون‌های چهارگوش به ابعاد ۷۰×۶۰ و با ارتفاع حداکثر ۷۰ سانتی‌متر یکی در گوشه شمال شرقی و دیگری در گوشه جنوب غربی گمانه قرار دارد. کارکرد این دو سازه، که از قلوه‌سنگ و ملات گچ بنا شده، مشخص نیست.

دوره فرهنگی: اواخر ساسانی؟ - سده‌های اولیه اسلامی

### مرحله ۳

واحد ۸۰۱

محدوده کاوش: ۲/۵۰×۲/۵۰ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۰/۴۰؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۰/۳۰ متر

توصیف: خاک بکر

رسوب رس در ترکیب با شن و کمی ریگ در زیر سطح مرحله ۲

### مرحله ۴

واحدهای ۷۰۷، ۷۰۸

محدوده کاوش: ۲/۰۰×۱/۰۰ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۲/۱۰؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۱/۴۰ متر

توصیف: خاک بکر

خاک بکر در این قسمت متشکل از دو واحد متفاوت بود. یک لایه شن و ماسه نرم در سطح یک لایه رس ته‌نشست شده بود. این واحدها نشان‌دهنده توالی رسوب شن و ماسه در این قسمت است. در بافت این واحد، چاله‌ای از مرحله ۲ کنده شده است.

### گمانه ۸

موقعیت و محدوده کاوش

این گمانه خارج از بنای مرکزی و در ۱۲ متری غرب تپه شمال غربی ایجاد شد (تصویر ۲). در این قسمت تپه‌های کوتاه به ارتفاع کمتر از یک متر و پهنای ۳×۳ متر وجود داشت که در سطح آن دو سازه از سنگ و گچ نمایان بود. مختصات جغرافیایی این گمانه ۱۱° ۵۴' ۲۹" شمالی و ۵۳° ۱۳' ۰۵" شرقی و ارتفاع مطلق آن بر اساس گوشه شمال شرقی ۱۵۵۱ متر از سطح دریاست. این گمانه در حد فاصل دو سازه معماری نمایان در سطح ایجاد و تا عمق ۷۰ سانتی‌متر کاوش شد (تصویر ۹ و جدول ۷).

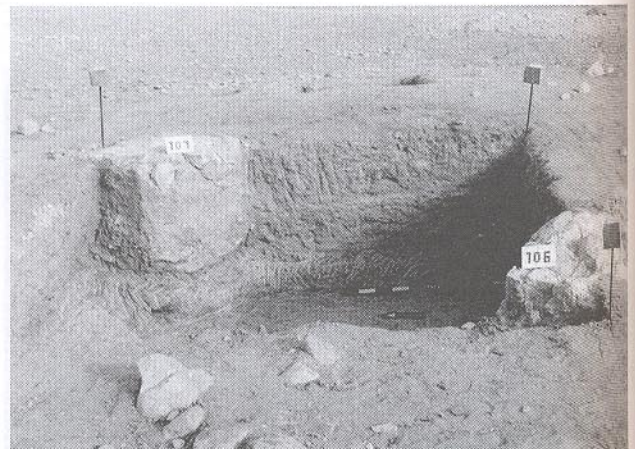
### مرحله ۱

واحد ۸۰۶

محدوده کاوش: ۲/۵۰×۲/۵۰ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۱؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۰/۹۰ متر

توصیف: خاک سطحی



تصویر ۹. گمانه ۸ واقع در غرب تپه شمال غربی

Pl. 9. Sounding No. 8, west part of the lower mound in northwestern part of the site

به دست آمد. این مرحله فاقد مواد فرهنگی بود و در عمق ۶۰ سانتی‌متر نمایان شد.

## شناسایی سازه‌های احتمالی در بخش‌های غربی و شمالی محوطه

در محدوده پیرامون بنای مرکزی محوطه سروستان، ساخت‌وسازهای پراکنده معماری بر سطح زمین نمایان است (تصویر ۱) که عمده آن‌ها بر اثر شخم یا فرسایش به شدت تخریب شده و به سختی مشهود است. خوشبختانه از عکس‌های هوایی محوطه می‌توان تا حدودی برای شناخت این سازه‌های کم‌ویش نامنظم کمک گرفت. در عکس‌های هوایی سازه‌های متعددی در تمام سطح یکصدمتری پیرامون بنای منسوب به کاخ به چشم می‌خورد (تصویر ۲). مشخص نیست که آنها به کدام دوره تعلق دارد، و پذیرش اینکه همزمان با بنای منسوب به کاخ ایجاد شده تا حدودی مشکل است. در هر صورت، تاریخگذاری این سازه‌ها در بحث گاهنگاری نسبی و شناخت مراحل سکونت‌ی روشن خواهد شد. اما در عکس‌های هوایی، سازه‌هایی ممتد به صورت خطوطی روشن در ۲۰۰ متری غرب، شمال، و شمال غربی بنای مرکزی، به‌ویژه پیرامون تپه واقع در شمال غربی محوطه مشاهده می‌شود که پرسش‌هایی را مطرح می‌کند؛ از جمله اینکه، آیا این خطوط ساده و روشن در عکس‌ها سازه‌هایی است که به دلیل جنس متفاوت با محدوده پیرامون یا به دلیل وجود پستی و بلندی‌ها و عوارض سطح زمین در عکس‌ها برجسته‌تر و روشن‌تر از سایر قسمت‌ها نمایان شده یا اینکه به صورت اتفاقی در اثر سایه‌روشن به شکل لکه‌های مجزا در عکس دیده می‌شود؟ به جهت این پرسش‌ها و مشکلاتی نظیر شخم عمیق کنایورزان در سطح محوطه و خطر از بین رفتن حداقل اثر بقایای نمایان در این بخش‌ها، تصمیم گرفته شد تا در محدوده‌هایی که امکان وجود این نوع سازه‌های احتمالی بیشتر بود، گمانه‌هایی کم‌عمق به صورت طولی در عرض این سازه‌ها ایجاد شود تا در صورت وجود سازه بتوان حداقل بخش‌هایی از آن را شناسایی کرد. به این ترتیب، محدوده غرب و شمال محوطه و به‌ویژه پیرامون تپه شمال غربی برای گمانه‌زنی انتخاب شد.

## گمانه‌های ۹ تا ۱۶

این گمانه‌ها برای شناسایی سازه‌های احتمالی مشهود در عکس‌های هوایی به صورت طولی و به عمق حداکثر ۴۰ سانتی‌متر حفر شد. گمانه‌های ۹، ۱۰ و ۱۱ در عرض سازه احتمالی نمایان در امتداد شمال تپه و گمانه‌های ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ در عرض سازه احتمالی واقع در بخش غربی تپه حفر شد (تصویر ۲).

## گمانه ۹

محدوده کاوش: ۱۲/۰۰×۱/۳۰ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۴؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۳/۶۰ متر

توصیف: ساختار معماری

برای شناخت ساختار احتمالی دیوار ممتد شمالی، گمانه ۹ در فاصله ۳۰ متری شمال شرقی تپه واقع در شمال غربی محوطه کاوش شد. مختصات جغرافیایی آن "۵۴/۰۱۱' ۲۹° شمالی و "۵۷/۳۱' ۱۳' ۰۵۳° شرقی و ارتفاع مطلق آن بر اساس گوشه شمال شرقی آن ۱۵۵۴ متر از سطح دریاست. پس از برداشتن لایه سطحی به ضخامت ۱۵ سانتی‌متر، در بخش مرکزی گمانه سازه‌ای متشکل از قلوه‌سنگ‌های نامنظم در ابعاد ۱۵×۱۰، ۲۰×۱۵ و ۳۰×۲۵ سانتی‌متر نمایان شد. بافت این واحد فشرده و مواد تشکیل‌دهنده آن رس قهوه‌ای مایل به زرد بود. ابعاد محدوده نمایان‌شده این ساختار در عرض گمانه ۱/۳۰ متر بود و در امتداد طولی گمانه، تا ۳/۰۰ متر ادامه داشت. در واقع به نظر می‌رسد این ساختار از هم پاشیده و آوار آن در کنار بستر اصلی رسوب شده است. لذا، برای شناخت دقیق پهنای این ساختار لازم بود تا آوار این قسمت از هسته اصلی سازه جدا شود.

## گمانه ۱۰

محدوده کاوش: ۱۲/۰۰×۱/۳۰ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۵؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۴/۶۰ متر

توصیف: سازه معماری

این گمانه در فاصله ۲۵ متری شرق گمانه ۹ ایجاد شد. مختصات جغرافیایی آن "۵۲/۷' ۱۱' ۲۹° شمالی و "۵۸/۵' ۱۳' ۰۵۳° شرقی و ارتفاع مطلق گمانه بر اساس گوشه شمال شرقی ۱۵۵۵ متر از سطح دریاست (تصویر ۱۰). سازه معماری در این گمانه متشکل از قلوه‌سنگ در بافت خاک رس قهوه‌ای فشرده و در اندازه‌های متوسط ۲۵×۱۵ سانتی‌متر است. این واحد به شدت به هم ریخته است و به سختی می‌توان ابعاد آن را توصیف کرد. رسوب در سرتاسر آن دیده می‌شود و پهنای آن حدود ۳/۰۰ متر است. اگرچه این سازه معماری انسجام اولیه خود را در اثر فرسایش و شخم‌های متوالی از دست داده، هنوز



تصویر ۱۰. گمانه طولی شماره ۱۰: بخشی از دیوار شمالی حصار

پنج گمانه ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ به صورت طولی در عرض این خط از جنوب به شمال در فواصل مشخص ۲۰ متر از یکدیگر حفر شد.

### گمانه ۱۲

محدوده کاوش: ۱۰/۰۰×۱/۳۰ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۰؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۴۹/۶۰ متر  
توصیف: سازه معماری

مختصات جغرافیایی آن "۲۹° ۱۱' ۴۶/۲" شمالی و "۱۳° ۱۳' ۴۷/۶" شرقی است و ارتفاع مطلق آن بر اساس گوشه شمال شرقی ۱۵۵۰ متر از سطح دریاست. شناخت ساختار این قسمت به دلیل ضخیم‌خوردگی دشوار و از ضخامت این واحد متشکل از گل فشرده و سنگریزه، ۱۰ سانتی‌متر باقی مانده و پهنای آن کمتر از ۲ متر است.

### گمانه ۱۳

محدوده کاوش: ۱۰×۱/۳۰ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۴؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۳/۶۰ متر  
توصیف: سازه معماری

مختصات جغرافیایی آن "۲۹° ۱۱' ۵۱/۵" شمالی و "۱۳° ۱۳' ۴۸/۵" شرقی است و ارتفاع مطلق آن بر اساس گوشه شمال شرقی ۱۵۵۴ متر از سطح دریاست. لایه سطحی این قسمت بر اثر ضخیم تخریب شده و سازه احتمالی آن تا حدود زیادی از بین رفته است. بقایای این سازه به ضخامت حداکثر ۱۰ سانتی‌متر و پهنای ۲ متر، متشکل از گل رس فشرده در ترکیب با سنگریزه و قلوه‌سنگ‌های پراکنده در اندازه‌های کوچک است.

### گمانه ۱۴

محدوده کاوش: ۸×۱/۱۰ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۱؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۰/۶۰ متر  
توصیف: سازه معماری

مختصات جغرافیایی آن "۲۹° ۱۱' ۵۳/۶" شمالی و "۱۳° ۱۳' ۵۱/۲" شرقی و ارتفاع مطلق آن بر اساس گوشه شمال شرقی ۱۵۵۱ متر از سطح دریاست. سطح این گمانه نیز ضخیم خورده است و سازه معماری آن به سختی شناسایی شد. قسمت باقی‌مانده آن متشکل از سنگریزه و رس است که به پهنای ۳ متر پخش شده و بخش‌هایی از آن بر اثر ضخیم از سال‌های گذشته تخریب شده بود.

### گمانه ۱۵

محدوده کاوش: ۵×۱/۵۰ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۰؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۴۹/۶۰ متر  
توصیف: سازه معماری

مختصات جغرافیایی آن "۲۹° ۱۱' ۵۴/۷" شمالی و "۱۳° ۱۳' ۵۲/۳" شرقی و ارتفاع مطلق آن بر اساس گوشه شمال شرقی ۱۵۵۰ متر از سطح

می‌توان تاحدودی امتداد آن را در راستای شرقی-غربی مشاهده کرد. از ارتفاع این سازه حداکثر ۲۵ سانتی‌متر باقی مانده است.

### گمانه ۱۱

محدوده کاوش: ۱۰/۰۰×۱/۳۰ متر

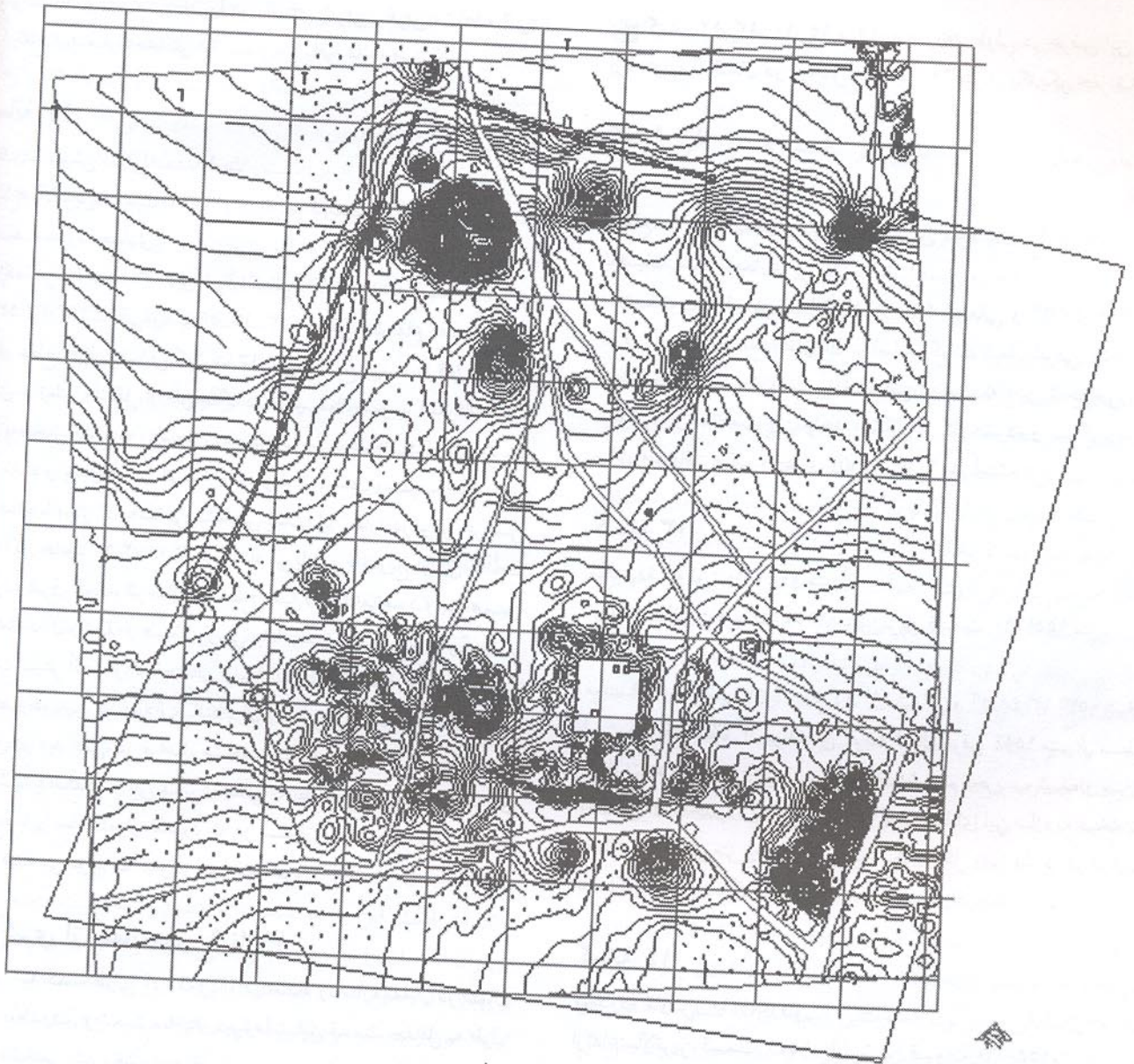
ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۳؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۲/۶۰ متر  
توصیف: سازه معماری

این گمانه در فاصله ۳۰ متری شرق گمانه ۱۰ با مختصات جغرافیایی "۲۹° ۱۱' ۵۲/۱" شمالی و "۱۳° ۱۳' ۵۹/۴" شرقی و ارتفاع مطلق ۱۵۵۳ متر از سطح دریا بر اساس گوشه شمال شرقی واقع است. در این قسمت، بقایای سازه‌ای متشکل از قلوه‌سنگ در ترکیب با رسوب فشرده خاک رس به‌سختی مشاهده می‌شود. از ضخامت سازه حداکثر ۲۰ سانتی‌متر آن باقی مانده و پهنای آن در اثر آوار رس و ترکیب شدن رسوب حاصل از آوار سازه با بستر آن به‌سختی مشخص است. این سازه در برش عرضی گمانه، در حدود ۳/۰۰×۲/۵۰ متر امتداد می‌یابد و به تدریج از این قسمت به طرف شرق گمانه، اثر سازه بر سطح زمین ناپدید می‌شود و به همین دلیل امتداد آن را باید از طریق بررسی مغناطیسی یافت. برای جلوگیری از تخریب بیشتر آنچه از اثر احتمالی ریشه این سازه ممتد باقی بود، با استفاده از دوربین نقشه‌برداری امتداد آن ردیابی و در محور خط تراز دوربین در دید افقی، در فواصل مشخص کپه‌های خاک روی سطح زمین ایجاد شد. با استفاده از این مسیر احتمالی به نظر می‌رسد بتوان تا حدودی آثار و بقایای سازه دیوارمانند را، که در شمال محوطه در عکس‌های هوایی دیده می‌شود، مشخص و محافظت کرد.

### نتیجه‌گیری از گمانه‌های ۹ تا ۱۱

با کاوش سه گمانه طولی ۹، ۱۰، و ۱۱ در امتداد رد سازه نمایان در شمال محوطه تاحدودی وضعیت ساختار دیوارمانند این قسمت حداقل به طول ۶۰ متر مشخص شد (نقشه). به نظر می‌رسد در این قسمت دیواری وجود داشته که بر اثر ضخیم زدن به شدت فرسایش یافته و امروزه فقط ریشه آن حداکثر به ارتفاع ۲۰ تا ۲۵ سانتی‌متر باقی مانده است. ازهم‌پاشیدگی این سازه در اثر رسوب و فرسایش کاملاً مشهود است و پهنای ۳/۰۰ متری آن نشان می‌دهد که دیوار حصارمانند به‌نسبت بلندی در این قسمت وجود داشته است. متأسفانه تعیین عرض دقیق این دیوار دشوار است. ظاهراً دیوار مستقیماً بر سطح زمین بنا شده و نداشتن پی از عوامل ازهم‌پاشیدگی آن بوده است. در ساخت آن از گل و چینه و به‌احتمال در بخش‌های پایین از قلوه‌سنگ‌های متوسط و کوچک همراه با سنگریزه و شن در ملات گل استفاده شده است.

در امتداد غربی محوطه سروستان به فاصله ۱۰۰ متری از بنای مرکزی، در تصاویر هوایی خط ممتدی روشن‌تر از بخش‌های پیرامون آن نمایان است (تصویر ۲). برای شناخت سازه احتمالی در این قسمت



منحنی میزان محوطه  
Topographic map of Sarvestān

شرقی و ارتفاع مطلق آن بر اساس گوشه شمال شرقی ۱۵۵۳ متر از سطح دریاست. در بافت سازه این گمانه رس فشرده، قلوه‌سنگ‌هایی در ابعاد ۲۰×۱۵ سانتی‌متر همراه با کمی سنگریزه و شن وجود داشت. پهنای آن در حدود ۲ متر و ضخامت آن حدود ۲۰ سانتی‌متر است.

### نتیجه‌گیری از گمانه‌های ۱۲ تا ۱۶

نتایج کاوش نشان می‌دهد از شمالی‌ترین بخش این قسمت به طرف جنوب، سازه‌ای به احتمال چینه‌ای به طول ۱۰۰ متر به صورت دیواری ممتد و به پهنای حداکثر ۲ متر وجود داشته که امروزه بقایای پی آن به ضخامت ۲۰ سانتی‌متر مشهود است (نقشه).

دریاست. سازه‌های معماری این قسمت بر سطح نمایان بود. این قسمت خارج از زمین‌های کشاورزی واقع است و به همین دلیل سطح آن کمتر تخریب شده و متشکل از گل فشرده، قلوه‌سنگ‌های پراکنده و سنگریزه با تراکم نسبی در محدوده رس فشرده است. پهنای آن ۳ متر و ضخامت آن ۲۰ سانتی‌متر و خاک رس موجود در آن زرد مایل به قرمز است.

### گمانه ۱۶

محدوده کاوش: ۶×۱/۳۰ متر

ارتفاع: بالاترین قسمت ۱۵۵۳؛ پایین‌ترین قسمت ۱۵۵۲/۶۰ متر

توصیف: سازه معماری

مختصات جغرافیایی آن "۵۳/۷' ۱۱" ۲۹° شمالی و "۵۴/۵' ۱۳" ۵۳°

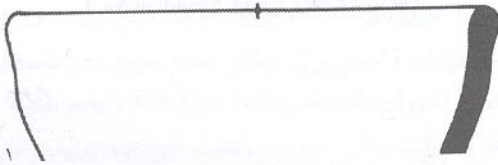
بیرونی و درونی)؛ ۷. تزئین (سطح بیرونی و درونی)؛ ۸. رنگ و کیفیت پوشش سطح بیرونی؛ ۹. رنگ و کیفیت پوشش سطح درونی. تمام طرح سفال‌ها کوچک‌تر از اندازه واقعی نمایش داده شده است.

## گمانه ۱

### مرحله یکم

شکل ۱

با ماده چسباننده گیاهی، نخودی مایل به قرمز، و کیفیت ساخت متوسط؛ این ظرف با پخت مناسب و پوشش گلی غلیظ در سطح بیرونی به لایه سطحی تعلق دارد.



شکل ۱. سفال مرحله ۱ از گمانه ۱  
Fig. 1. Phase 1 ware, Sounding No. 1

### مرحله دوم

شکل ۲

ظروف با ماده چسباننده کانی، نخودی مایل به صورتی نارنجی، کیفیت ساخت متوسط، پخت مناسب، دارای پوشش گلی غلیظ، بیشتر از نوع کاسه‌های دهانه‌باز با لبه‌های مفصلی شکل. در یک مورد (ش ۸)، لبه ظرف نواری برجسته دارد که سطح آن با نقش کنده نیشگونی تزئین شده است. بخش بالای سطح خارجی این ظرف و تمام سطح داخلی آن پوشش لعاب آبی مایل به سبز کدر، مخدوش و رنگ‌پریده دارد. این نوع ظرف از نظر لعاب در گروه سفال‌های اولیه اسلامی طبقه‌بندی می‌شود و لبه آن از نوع لبه‌های رایج در اوایل دوره اسلامی در قصر ابونصر است (Whitcomb 1985: 56, Fig. 1). ظرف ۳ با نقش کنده شانه‌ای، ظرف ۲ با نقش کنده موازی و موج، و ظرف ۴ با نوعی نقش کنده تزئین شده، و در تمام موارد شیوه تزئین بر سطح ظرف به ظروف اوایل دوره اسلامی در قصر ابونصر شبیه است (Whitcomb 1985: 56, Fig. 20). همچنین نوعی لعاب فیروزه‌ای مخدوش به‌کاررفته بر سطح دو قطعه از بدنه سفال با خمیره نخودی مایل به زرد کم‌رنگ در این مرحله وجود دارد. نمونه‌های مشابه این ظروف از سده‌های دوم تا سده چهارم ه در محوطه‌های سیراف (Tampoe 1989: 91) و برخی از محوطه‌های دیگر در ایران (Wilkinson 1973: 14-17, 21) و در محوطه‌های جنوب خلیج فارس به‌ویژه در محوطه کوش به دست آمده است (Kennet 2004: 32, 145).

مناسفانه، در حدود ۶۰ متر باقی‌مانده از طول این دیوار در بخش جنوبی شخم خورده و به‌سختی می‌توان آن را شناسایی کرد. در امتداد این سازه طویل به طرف جنوب اثر شخم عمیق‌تر است و دیوار به‌کلی ناپدید می‌شود. به قصد شناسایی رد آن و گم نشدن امتداد دیوار برای پژوهش‌های آینده، در امتداد محور آن به طرف جنوب گپه‌هایی از خاک ایجاد کردیم.

شناسایی بخش‌هایی از سازه دیوارمانند و تطبیق نتایج کاوش با برجستگی‌های ممتدی که در عکس‌های هوایی به چشم می‌خورد نشان می‌دهد که به‌احتمال دیواری ممتد و طویل از چینه حداقل در دو ضلع شمالی و غربی محوطه بنا شده و حداقل پهنای آن ۲ متر بوده است (نقشه).

اگرچه در عکس‌های هوایی، سازه‌هایی در سراسر محدوده پیرامونی بنای بزرگ، به‌ویژه در غرب و شمال غرب محوطه مشاهده می‌شود، برای درک بهتر ارتباط مکانی این سازه‌ها لازم است در ۲۰ مکتار پیرامون بنا با تطبیق عکس‌های هوایی با سازه‌های نمایان در سطح و استفاده از نتایج حاصل از کاوش، بقایای فضاهای معماری شناسایی، با بررسی‌های مغناطیسی بخش‌های باقی‌مانده از سازه‌های دیوارمانند در شمال و غرب محوطه آشکار و سپس سازه‌های متعدد بخش‌های داخلی محوطه به‌ویژه در غرب بنای بزرگ کاوش شود. احتمال دارد بخشی از سازه‌ها، با ضخامت بیشتر و مشهودتر، در این بخش از محوطه الحاقاتی مربوط به دوره‌های سکونتی متأخرتر باشد.

برای حفاظت از محوطه و پژوهش‌های بیشتر لازم است زمین‌های کشاورزی این محدوده خریداری شود، زیرا شخم عمیق آثار باقی‌مانده را نابود می‌کند. برای تعیین محدوده حصار احتمالی محوطه سروستان و جلوگیری از تخریب بیشتر، علاوه بر دو محور غربی و شمالی، دو محور شرقی و جنوبی نیز با دوربین نقشه‌برداری ابتدایی و به فاصله هر ۵۰ متر یک گپه خاک ایجاد شد تا در کاوش‌های آتی یا با استفاده از بررسی مغناطیسی، سازه‌های احتمالی این قسمت‌ها آشکار شود.

## سفال‌های به‌دست آمده از گمانه‌زنی در محوطه سروستان

۴۸۰ قطعه سفال از گمانه‌های ۱ تا ۸ با شماره ثبت مشخص، کدگذاری و قطعه‌سفال‌های هر مرحله سکونتی بر اساس سه گروه نوع ظرف، شکل، و تزئین توصیف، طبقه‌بندی، تصویربرداری، طراحی، گونه‌شناسی و گاهنگاری شد. قطعه‌سفال‌ها با نام سروستان و بستر پیدایش آن‌ها با اصطلاح مرحله نامگذاری و در نه زیرگروه طبقه‌بندی شده است:

۱. شکل؛ ۲. نوع ساخت؛ ۳. میزان پخت؛ ۴. رنگ (رنگ سطح بیرونی، درونی و خمیره)؛ ۵. ماده چسباننده؛ ۶. پرداخت (سطح

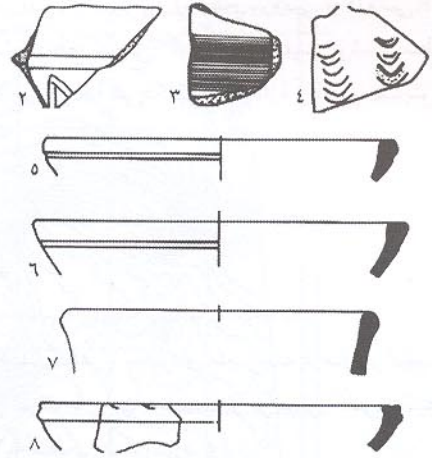
## گمانه ۲

### مرحله ۱

شکل ۴

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی مایل به قرمز (ش ۱، ۲، ۳): این ظروف با نوارهای کنده موج و موازی شانه‌ای یا نوارهای برجسته با نقش کنده نیشگونی تزئین شده که از نوع تزئین رایج در سده‌های اولیه اسلامی است و در مراحل ۳ و ۴ این گمانه وجود داشت.

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی (ش ۴، ۵، ۶): کوزه ۴ از نوع کوزه‌های کشیده با بدنه کروی است که نمونه‌های مشابه آن از سده‌های اولیه اسلامی از محوطه نیشابور به دست آمده است (Wilkinson 1973: 315, Fig. 78). ظرف ۵ از نوع کاسه‌های توگود با بدنه نیم‌کروی است. ظرف ۶ کاسه‌ای دهانه‌باز است که از نظر شکل لبه به ظرف شیشه‌ای محوطه غبیرا شباهت دارد (Bivar 2000: 211, Figs. 81-2).



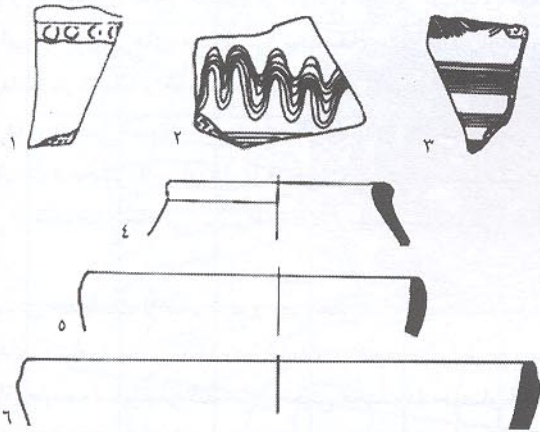
شکل ۲. سفال مرحله ۲ از گمانه ۱

Fig. 2. Phase 2 wares, Sounding No. 1

## مرحله سوم

شکل ۳

ظروف با ماده چسباننده کانی، قرمز مایل به نخودی، و کیفیت ساخت متوسط، پخت مناسب، به طور معمول به شکل کوزه‌های لبه‌پهن، فقط در یک مورد ساخت خشن (ش ۱۴) که در گروه کاسه‌ها طبقه‌بندی می‌شود. سطح بدنه بیشتر این ظروف پوشش گلی غلیظ قهوه‌ای دارد. این نوع پوشش بر سطح بدنه ظروف نخودی یا نخودی مایل به قرمز در محوطه‌های قصر ابونصر (Whitcomb 1985: 50, Fig. 17a-b)، سیراف (Whitehouse 1971: x. d)، قلعه‌دختر (Huff 1971: Taf. 6a-b)، در اواخر دوره ساسانی و سده‌های اولیه اسلامی در ظروف مرتبط و هم‌شکل با دوره ساسانی شناخته شده است (Whitcomb 1985: 49-50). بخش بالای سطح خارجی ظرف ۱۳ و تمام سطح داخلی آن با لعاب سبز-آبی مایل به سفید پوشانده شده، لعاب آن رنگ‌پریده، خشن و همراه با دانه‌های ریز شن است.



شکل ۴. سفال‌های مرحله ۱ از گمانه ۲

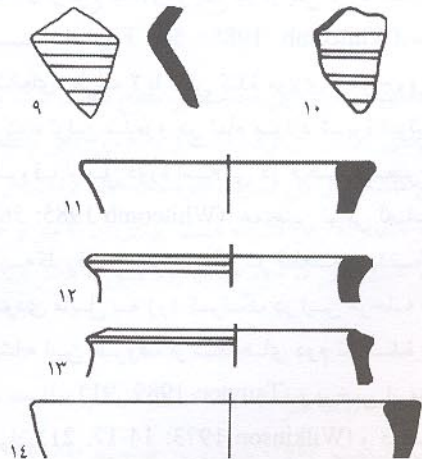
Fig. 4. Phase 1 wares, Sounding No. 2

## مرحله ۲

شکل ۵

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی مایل به قرمز (ش ۷ و ۸): ظرف ۸ دارای پوشش گلی غلیظ قهوه‌ای، از نوع پوشش ظروف اواخر دوره ساسانی و سده‌های اولیه اسلامی به‌ویژه در محوطه قصر ابونصر (Whitcomb 1985: 50, Fig. 17)، قلعه‌دختر (Huff 1971: 6a-b)، و سیراف (Whitehouse 1971: xd) است. سرپوش ۸، با تورفتگی مقعر و دستگیره برآمده به سرپوش‌های سده‌های اولیه اسلامی نیشابور شبیه است (Wilkinson 1973: 306).

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی (ش ۹): این ظرف با بدنه محدب به ظروف بشقاب‌مانند دوره سلجوقی شباهت دارد. نمونه‌های مشابه آن از نظر شکل از دوره سلجوقی در محوطه غبیرا به دست آمده است (Bivar 2000: 337, No. 71).



شکل ۳. سفال مرحله ۳ از گمانه ۱

Fig. 3. Phase 3 wares, Sounding No. 1



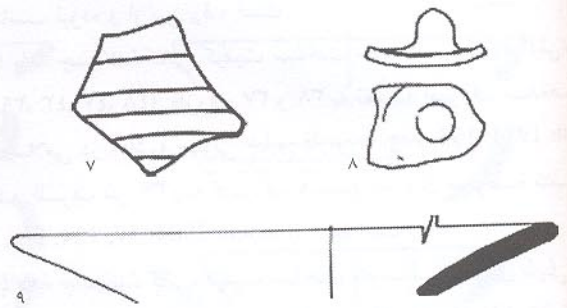
با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی مایل به قهوه‌ای (ش ۱۷): این ظرف کاسه‌ای کم‌عمق و ساده با لعاب گلی غلیظ قهوه‌ای است. استفاده از این نوع پوشش در ظروف اواخر دوره ساسانی و سده‌های اولیه اسلامی به‌ویژه در ظروف محوطه قصر ابونصر (Whitcomb 1985: 50, Fig. 17)، قلعه‌دختر (Huff 1971: 6a-b)، و سیراف (Whitehouse 1971: xd) رواج داشته است.

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی مایل به سبز (ش ۱۵): دسته حلقوی با مقطع گرد که به صورت عمودی بدنه کوزه را به گردن ظرف متصل می‌کرده، از نوع دسته‌های معمول کوزه‌های گردن‌دار سده‌های اولیه اسلامی است.

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی، لعاب‌دار (ش ۱۸ و ۱۹): لعاب حاشیه بیرونی لبه و سطح داخلی این ظروف از نوع آبی مایل به سبز و فیروزه‌ای است که کیفیت مناسب ندارد و تا حدودی از بین رفته است. این شیوه تزئین برای پوشش سطح ظروف در سده‌های اولیه اسلامی در ایران رواج داشته است (Wilkinson 1973: 179-80).

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی مایل به قرمز، لعاب‌دار (ش ۲۱): سطح داخلی و حاشیه بیرونی این ظرف دارای لعاب فیروزه‌ای کم‌رنگ و کیفیت نامناسب، از نوع لعاب سطح ظروف سده‌های اولیه اسلامی، است (Wilkinson 1973: 180).

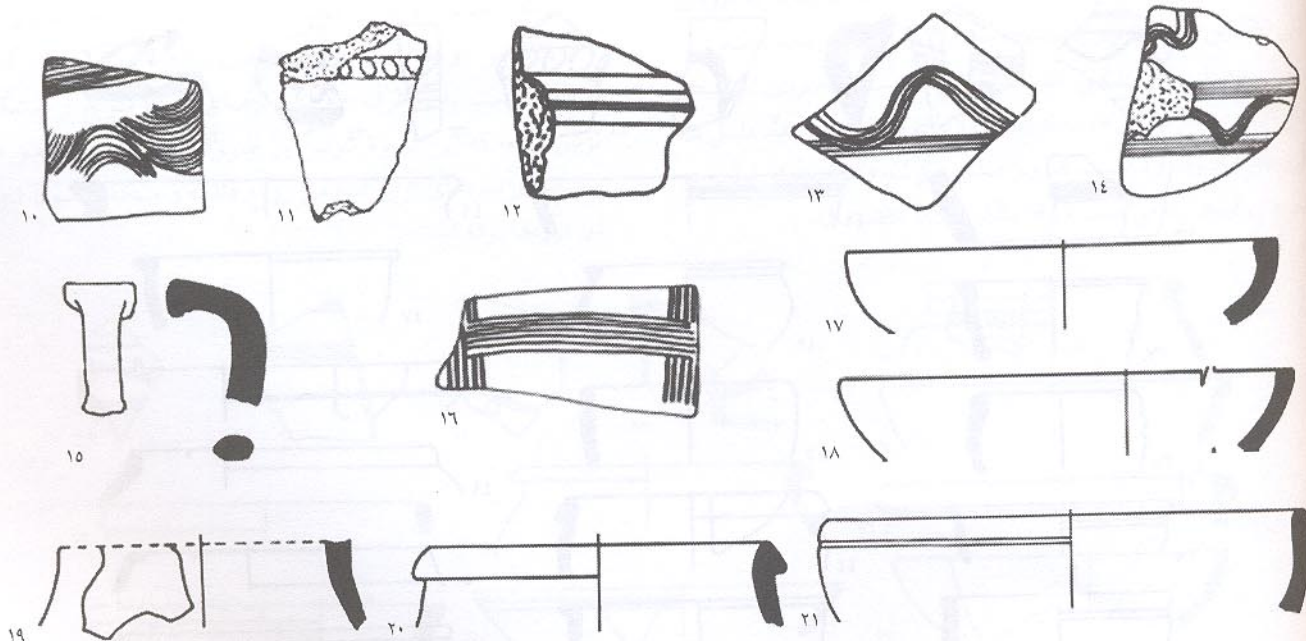
با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، خاکستری (ش ۲۰): کوزه‌های گردن‌دار با بدنه کروی شکل است. استفاده از کوزه‌های کروی گردن‌دار در سده‌های اولیه اسلامی در محوطه‌هایی نظیر قصر ابونصر رواج داشته است (Whitcomb 1985: 52, Fig. 19).



شکل ۵. سفال‌های مرحله ۲ از گمانه ۲  
Fig. 5. Phase 2 wares, Sounding No. 2

مرحله ۳  
شکل ۶

ظروف با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی و نخودی مایل به قرمز (ش ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶): تزئین با نوارهای کنده‌شانه‌ای، موج و موازی سبک رایج تزئین این ظروف است. این نوع تزئین با موج‌شدن نوارهای کنده‌شانه‌ای در سده‌های اولیه اسلامی در محوطه‌های قصر ابونصر (Whitcomb 1985: 54, Fig. 20)، نوش (Kervran 1974: 29)، نیشابور (Wilkinson 1973: 62, 308)، رأس‌الخیمه (Kennet 2004: 133) و استخر (Whitcomb 1979: pit Ib.) دیده می‌شود. دورتادور ظرف ۱۳ یک نوار برجسته دارد. جنس، رنگ نخودی و نوار برجسته در این ظرف بیشتر یادآور ظروف بزرگ دوره تاریخی است.



شکل ۶. سفال‌های مرحله ۳ از گمانه ۲  
Fig. 6. Phase 3 wares, Sounding No. 2

مرحله ۴ الف

شکل ۷

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی مایل به قرمز-نارنجی (ش ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۴۴، ۴۹، ۵۰، ۵۳، ۵۷، ۵۸، ۶۴، ۶۵): اغلب بدنه این ظروف با نوارهای کنده شانه‌ای تزئین شده که به ظروف اواخر دوره ساسانی و سده‌های اولیه اسلامی حاشیه جنوبی خلیج فارس (Kennet 2004: 62, Figs. 35 and 81; 1998: Figs. 5, 11-12, 19) شوش (Kervran 1977: Figs. 21, 24)، استخر (Whitcomb 1985: 52, 54)، و قصر ابونصر (1979: pit 2, HE.2 (Figs. 19-20) شبیه است. ظروف ۴۹ و ۵۰ به نمونه‌های به دست آمده از محوطه حاشیه جنوبی خلیج فارس شباهت دارد (Potts 1984: 133, Fig. 8) که مربوط به اواخر دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی است.

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی مایل به قهوه‌ای (ش ۴۲، ۴۵): ظرف ۴۲ کوزه‌ای با بدنه کروی است که دورتادور حاشیه لبه آن نوار برجسته دارد. ظرف ۴۵ از نوع کاسه‌های گود با لبه برگشته به بیرون است.

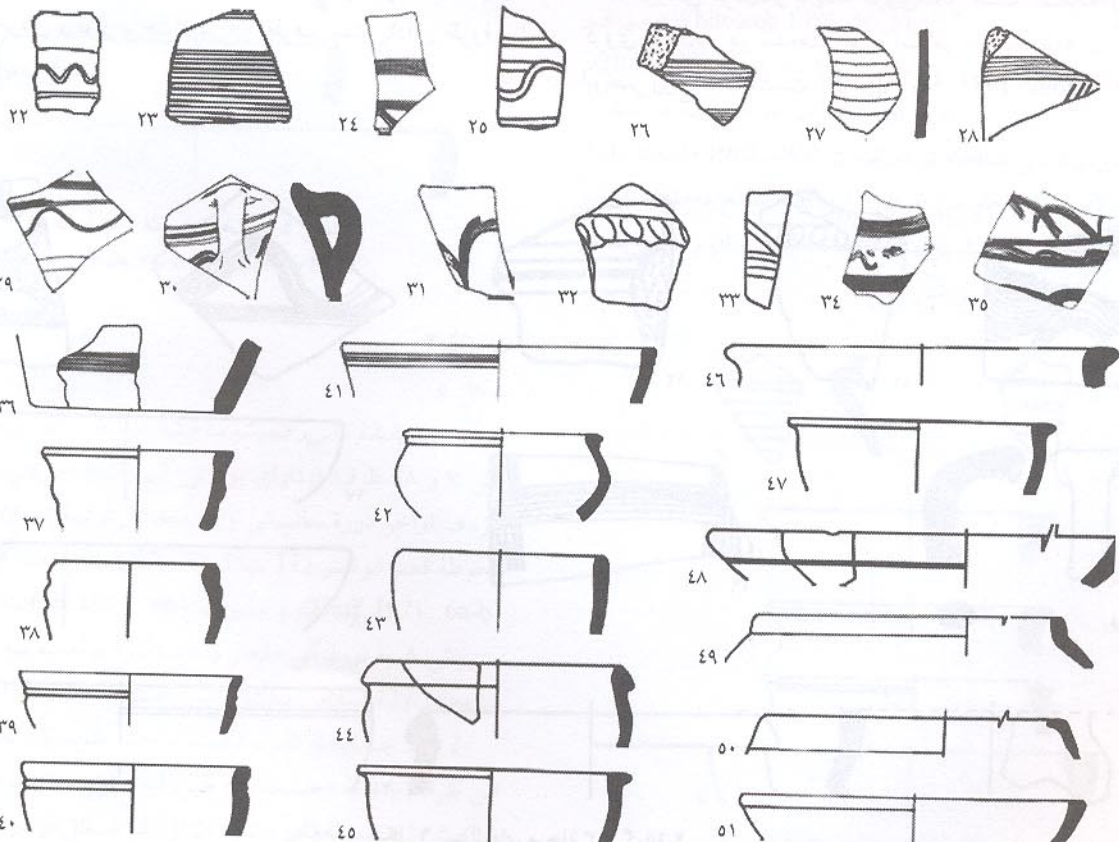
با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی، لعاب‌دار (ش ۵۲): این ظرف کاسه‌ای است با بدنه کروی که هر دو سطح آن لعاب کمرنگ متمایل به زرد دارد. کیفیت لعاب سطح بیرونی

آن مناسب نبوده و از بین رفته است.

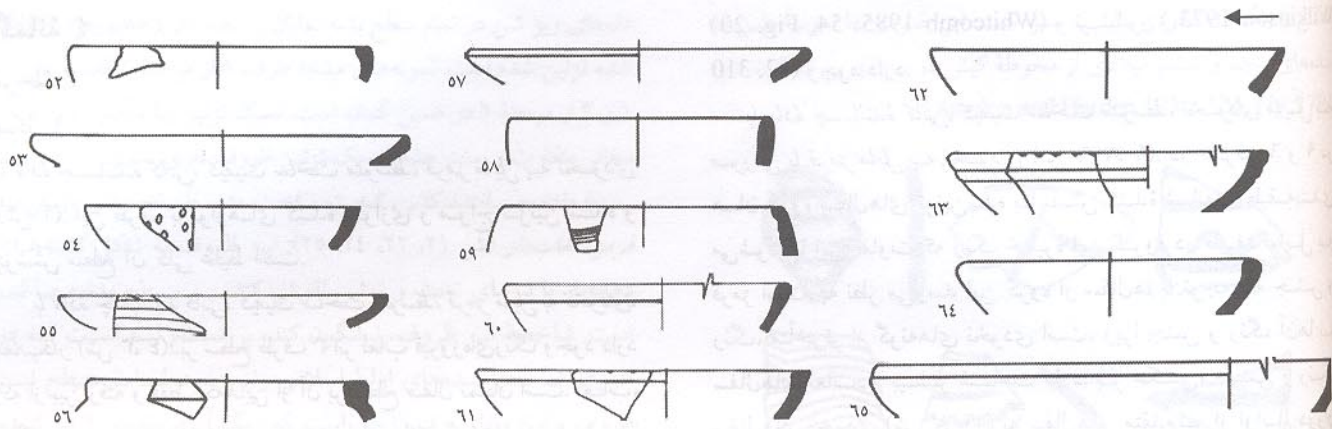
با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی (ش ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۳، ۴۷، ۴۸): ظروف ۳۷ و ۳۸ به نمونه ظروف سده‌های اولیه اسلامی در حاشیه جنوبی خلیج فارس (Potts 1984: 133, Fig. 8-9) و ظرف ش ۳۹ به ظروف همین دوره از محوطه متغف (Kennet 2004: 57, 124, Fig. 28) شبیه است.

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی مایل به قرمز، لعاب‌دار (ش ۲۲، ۲۵، ۴۰، ۴۱، ۴۴، ۵۱، ۵۴، ۵۵، ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۶۳): لعاب این ظروف سفید مایل به فیروزه‌ای (۲۲ و ۲۵)، سفید مایل به سبز (۴۰ و ۴۱)، یا آبی مایل به سبز (۵۴، ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۶۳) است. سطح داخلی و حاشیه خارجی دورتادور این ظروف دارای لعاب است. کیفیت لعاب به‌ویژه بر سطح بیرونی ظروف نامناسب و مخدوش است. سطح لبه ظرف ۶۳ نیشگون و بدنه آن نوارهای کنده موازی دارد. این ظروف از نظر نوع نقش، لعاب و شکل در گروه سفال‌های اوایل دوره اسلامی طبقه‌بندی می‌شود (Wilkinson 1973: 180).

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، خاکستری (ش ۴۶، ۵۶، ۶۰): ظروف ۴۶ و ۵۶ از نوع کوزه‌های با بدنه کروی و لبه پهن و ظرف ۶۰ کاسه‌ای با بدنه کروی است که سطح بیرونی آن با نوارهای شانه‌ای کنده تزئین شده است. نوع نقش از تزئینات رایج در سده‌های اولیه اسلامی است (Whitcomb 1985: 54, Fig. 20).



شکل ۷



شکل ۷. سفال‌های مرحله ۴ الف از گمانه ۲  
Fig. 7. Phase 4A wares, Sounding No. 2

مرحله ۴ ب

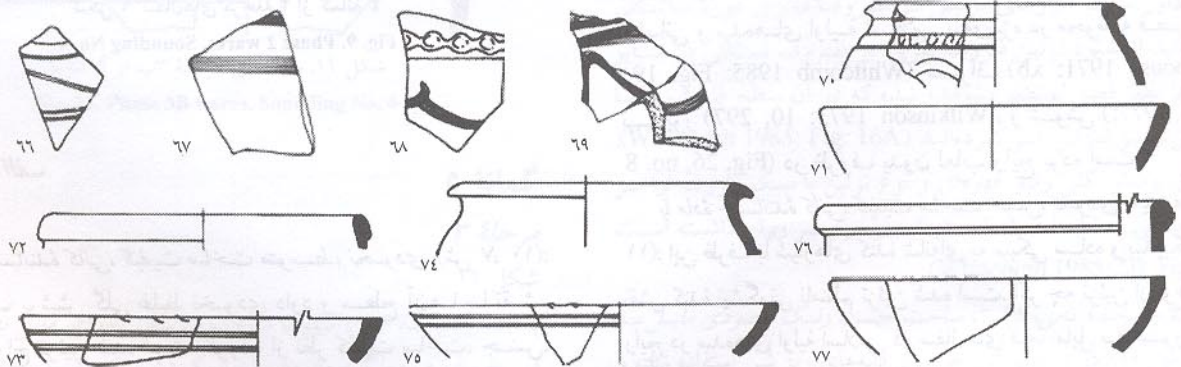
شکل ۸

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی مایل به قرمز، لعاب‌دار (ش ۷۱، ۷۳، ۷۵، ۷۶، ۷۷): لعاب این ظروف فاقد کیفیت و از نوع لعاب‌های کدر و خشن است. تمام سطح داخلی ظروف لعاب داده شده و بر سطح بیرونی، فقط حاشیه بالای لبه ظرف لعاب دارد. بر سطح خارجی بدنه نوارهای کنده موازی وجود دارد و سطح لبه ظروف نیشگونی است. لعاب این ظروف سفید مایل به فیروزه‌ای و ظروف ۷۳ و ۷۵ دارای لعاب پاشیده سبز مایل به سفید است. لعاب این ظروف و تزئین نقش نیشگونی بر لبه کاسه‌ها با نمونه ظروف محوطه‌های نیشابور (Wilkinson 1973: 320)، شوش (Kervran 1977: Fig. 22)، و قصر ابونصر شبیه و مربوط به سده‌های اولیه اسلامی به‌ویژه دوره آل‌بویه است (Whitcomb 1985: 66, Fig. 24).

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، خاکستری (ش ۷۰، ۷۴): این دو ظرف از نمونه کوزه‌های با دهانه بسته و لبه برگشته به بیرون است. بدنه ظرف ۷۰ با نوارهای کنده مواج و نیشگونی تزئین شده، که این شیوه تزئین در ظروف خاکستری اواخر دوره ساسانی و سده‌های اولیه اسلامی رواج داشته و سبک معمول تزئین در کوزه‌ها بوده است.

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی مایل به قرمز-صورتی (ش ۶۷، ۶۸، ۶۹): تزئین این ظروف با نقش کنده شانه‌ای ساده از نوع تزئینات اواخر دوره ساسانی است که در اوایل دوره اسلامی رواج پیدا کرده (Whitcomb 1985: 52, Fig. 19; Kennet 2004: 62, Figs. 35, 81). همین تزئین در ظرف ۶۸ نیز به چشم می‌خورد، با این تفاوت که در این ظرف بر سطح نواری برجسته، تزئینات نقش کنده وجود دارد. این نوع تزئین از نمونه‌های شاخص در ظروف اواخر دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی است (Whitcomb 1985: 54, Fig. 20; Kervran 1977: Fig. 24).

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی مایل به قهوه‌ای (ش ۶۶): این ظرف با نوار کنده ساده موازی و مواج تزئین شده است. با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی، لعاب‌دار (ش ۷۲): بر سطح لبه این ظرف کوزه‌مانند، لایه نازکی از لعاب سفید مایل به فیروزه‌ای وجود دارد. لعاب کدر، خشن و از نوع لعاب‌های اولیه در سده‌های اولیه اسلامی است (Kennet 2004: 32, 145).



شکل ۸. سفال‌های مرحله ۴ ب از گمانه ۲  
Fig. 8. Phase 4B wares, Sounding No. 2

## گمانه ۴

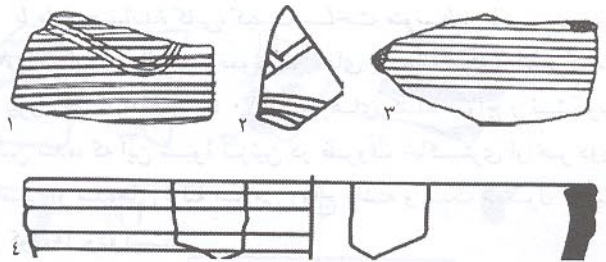
## مرحله ۲

## شکل ۹

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، قرمز مایل به نخودی (ش ۱): این ظرف با نوارهای کنده موازی و موج تزئین شده و پوشش سطح آن گلی غلیظ است.

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، قرمز مایل به نخودی، لعاب‌دار (ش ۳، ۴): بر سطح ظرف ۳ اثر لعاب فیروزه‌ای رنگ وجود دارد که از بین رفته و فقط لکه‌هایی از آن بر سطح سفال نمایان است. لعاب، رنگ‌پریده و کیفیت آن نامناسب است، اما در کاسه ۴ داخل ظرف با لعاب سبز-آبی کم‌رنگ پوشش داده شده و بر سطح بیرون آن لعاب محدود به حاشیه بخش بالای بدنه و روی لبه ظرف است. لعاب سطح بیرون از بین رفته است ولی کم‌وبیش بر تمام سطح درونی وجود دارد. کیفیت لعاب نامناسب و به همین دلیل پوشش لعاب کدر و رنگ‌پریده است. این لعاب در ظروف سده‌های اولیه اسلامی کاربرد داشته و تزئین با نوارهای کنده و موازی بر سطح بیرونی از نوع تزئینات رایج در سده‌های اولیه اسلامی در ظروف بدون لعاب قصر ابونصر است (Whitcomb 1985: Fig. 23 F and K).

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی (ش ۲): این ظرف با پوشش گلی غلیظ پوشش داده شده است. نقش کنده و موج سطح آن از نوع تزئین رایج در سفال‌های اوایل دوران اسلامی است.



شکل ۹. سفال‌های مرحله ۲ از گمانه ۴

Fig. 9. Phase 2 wares, Sounding No. 4

## مرحله ۳ الف

## شکل ۱۰

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی (ش ۷، ۱۰): این ظروف پوشش گلی غلیظ نخودی دارد و سطح آن‌ها با نقش شانه‌ای موج تزئین شده است. ظروف از نظر کیفیت ساخت، جنس، رنگ و پوشش سطح در گروه سفال‌های اوایل دوره اسلامی است و نمونه‌های مشابه آن‌ها در محوطه‌های قصر ابونصر

Wilkinson 1973: و نیشابور (Whitcomb 1985: 54, Fig. 20)

(62, 310) وجود دارد.

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی مایل به صورتی یا قرمز مایل به نخودی (ش ۶، ۸، ۹): دو ظرف ۶ و ۹ در همان گروه سفال‌های تزئین شده با نقش کنده شانه‌ای طبقه‌بندی می‌شود، با این تفاوت که رنگ خمیره این گروه در طیف مایل به قرمز است. به نظر می‌رسد این گروه از سفال‌ها با توجه به جنس و رنگ، متأخرتر از گونه‌های نخودی است، زیرا جنس و رنگ آن‌ها به سفال‌های لعاب‌دار بیشتر شباهت دارد. بر عکس، جنس و رنگ سفال‌های نخودی (ش ۷، ۱۰) به سفال‌های متقدم‌تر از اوایل دوران اسلامی شبیه‌تر و به طیف سفال‌های اواخر دوره ساسانی نزدیک‌تر است. مشابه همین نمونه‌ها ظرف ۸ است که با نقوش کنده مسبک و قالبی تزئین شده است.

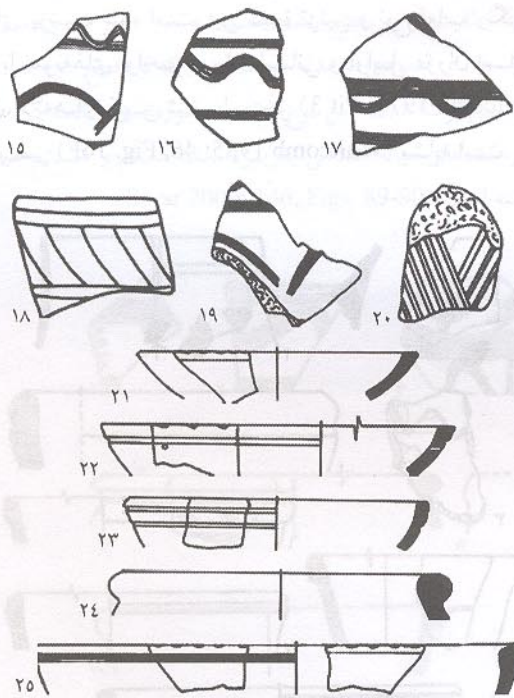
با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، قرمز مایل به صورتی، لعاب‌دار (ش ۵، ۱۲، ۱۳): سطح دو ظرف ۵ و ۱۲ پوشش لعاب آبی‌رنگ و بدنه آن‌ها رگه‌های افقی موج و موازی دارد. پخت و کیفیت لعاب مناسب است، به گونه‌ای که تفاوت مشهودی با گونه‌های اوایل اسلام نشان می‌دهد. نوع لعاب مشابه نمونه‌های سده هشتم هجری به‌ویژه ظروف به‌دست آمده از دوره مظفریان و ایلخانی در محوطه‌های قصر ابونصر (Whitcomb 1985: 67, Fig. 25)، شهر دقیانوس در جیرفت (Stein 1937: 21)، و شوش (Kervran 1977: Fig. 35, no. 8) است. ظرف ۱۳ لعاب سبز کم‌رنگ و رنگ‌پریده دارد و سطح لبه آن با نقش کنده نیشگونی تزئین شده است. این ظرف به کلی از نظر کیفیت لعاب با دو نمونه ۵ و ۱۲ متفاوت است، اما با ظروف سده‌های اولیه اسلامی به‌ویژه دوره‌های آل‌بویه و عباسی شباهت دارد که از محوطه قصر ابونصر (Whitcomb 1985: 66, Fig. 24) و شوش (Kervran 1977: Fig. 24, no. 10) به دست آمده است.

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت خشن، خاکستری (ش ۱۴): این ظرف کوزه‌ای با دهانه بسته و لبه پهن است که نوارهای کنده موازی به سبکی ساده شانه ظرف را تزئین کرده است. تزئین بدنه ظروف به‌ویژه کوزه‌ها در محل اتصال بدنه به گردن در ظروف اواخر دوره ساسانی و سده‌های اولیه اسلامی به‌ویژه در محوطه قصر ابونصر (Whitehouse 1971: xb)، سیراف (Whitcomb 1985: Fig. 19) و نیشابور (Wilkinson 1973: 10, 297)، و شوش (Kervran 1977: Fig. 26, no. 8) در ظروف بدون لعاب رایج بوده است.

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت خشن، نخودی مایل به سبز (ش ۱۱): این ظرف با شیارهای کنده شانه‌ای به سبکی ساده و با یک ردیف نقش کنده نیشگونی نامنظم تزئین شده است. اگر چه تزئین از نوع تزئینات رایج در سده‌های اولیه اسلامی در سفال‌های قرمز مایل به صورتی است (Whitcomb 1985: Fig. 17A)، جنس، رنگ و سبک تزئین متفاوت است. به این ترتیب که نقش به صورت نامنظم کنده شده، جنس ظرف

دانه‌های ریز شن در تمام سطح بدنه نمایان و سطح آن با هاشورهای متقاطع کنده تزئین شده است. نمونه‌های مشابه ظرف ۸ از مرحله ۳ الف و ظروف ۱ و ۳ از مرحله ۲ در همین گمانه است. سبک تزئین با دیگر گونه‌های سفالی متفاوت و بیشتر مشابه سبک تزئین ظروف فلزی است.

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی مایل به قرمز، لعاب‌دار (ش ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۵): این ظروف به شکل کاسه‌های دهانه‌باز با لبه‌های تخت و تزئین نقوش کنده بر سطح بدنه یا لبه است. شاخصه این ظروف، نیشگون کنده بر سطح لبه است که در ظروف لعاب‌دار سده‌های اولیه اسلامی رایج بود. لعاب سطح این ظروف سفید مایل به فیروزه‌ای است که رنگ آن پریده و کدر شده است. در یک مورد، ظرف ۲۱، پوشش ظرف، لعاب رنگ‌پریده آبی مایل به سبز است. ظرف ۲۴، نوارهای کنده افقی بر سطح بدنه دارد که این شیوه تزئین در ظروف فلزی و عطران‌های دوره ساسانی وجود داشته و سبک رایج تزئین در ظروف سفالی اواخر دوره ساسانی و اوایل اسلام است (Whitcomb 1985: Fig. 16).



شکل ۱۱. سفال‌های مرحله ۳ ب از گمانه ۴  
Fig. 11. Phase 3B wares, Sounding No. 4

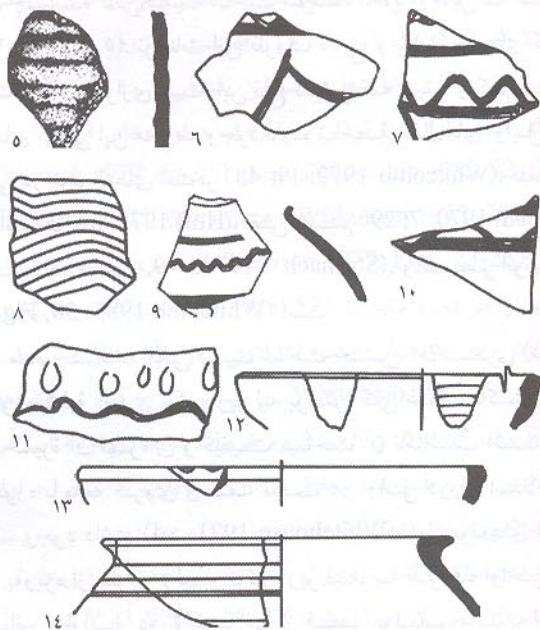
### گمانه ۵

#### مرحله ۳

#### شکل ۱۲

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی مایل به صورتی: این ظروف در دو گروه ظروف لبه‌باریک (ش ۲) و لبه‌پهن (ش ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲) طبقه‌بندی می‌شود. ظرف ۲، کوزه‌ای گردن‌دار

خشن و رنگ آن نخودی مایل به سبز است. این ظرف با نمونه ظروف سده‌های پنجم و ششم میلادی از محوطه کیش در بین‌النهرین شباهت دارد (Langdon and Harden 1934: 124, Fig. 17B).



شکل ۱۰. سفال‌های مرحله ۳ الف از گمانه ۴  
Fig. 10. Phase 3A wares, Sounding No. 4

### مرحله ۳ ب

#### شکل ۱۱

ظروف با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی گلی (ش ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۳): سطح این نوع ظرف دارای پوشش گلی غلیظ نخودی، اما در یک مورد (۱۸) پوشش آن رقیق به رنگ قهوه‌ای است. تزئین این ظروف شیارهای کنده شانه‌ای موج و موازی است که در ظروف اواخر دوره ساسانی و اوایل دوران اسلامی رایج بود (Whitcomb 1985: 52, Fig. 19). تزئین ظرف ۱۸، متفاوت است، به این ترتیب که شیارها به صورت مورب بر سطح ظرف خطوطی قاشقی شکل ایجاد کرده است. این نوع تزئین همراه با پوشش ظرف بیشتر یادآور سبک شیارهای تزئینی در ظروف فلزی دوره ساسانی است. تقلید از شیوه تزئین ظروف فلزی در ظروف سفالی در سایر محوطه‌ها نظیر قصر ابونصر مشاهده شده که در آن سطح ظرف را با لعاب آبی-سبز تزئین می‌کرده‌اند (Whitcomb 1985: Fig. 16A). استفاده از پوشش گلی رقیق قهوه‌ای و نوع تزئین با سبک ظروف اواخر دوره ساسانی مشابه است که در قصر ابونصر رواج داشته است (Whitcomb 1985: 50, Fig. 16A).

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت خشن، رنگ نخودی مایل به صورتی (ش ۲۰): در ساخت این ظرف از دانه‌های ریز شن استفاده شده و جنس آن بسیار محکم است، اما به دلیل پوشش گلی رقیق سطح ظرف،

## گمانه ۶

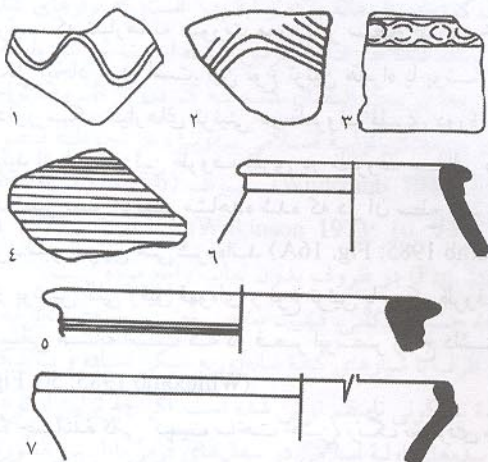
### مرحله ۳

شکل ۱۳

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی مایل به صورتی (ش ۱، ۲، ۳، ۴، ۵): تزئینات این ظروف متنوع و شامل نوارهای کنده و برجسته موج و موازی است. این نوع تزئین که بیش و کم در همه گونه‌های سفالی این محوطه وجود دارد، شاخصه سفال‌های اوایل دوره اسلامی در محوطه‌های استخر (Whitcomb 1979: Pit 48)، قلعه دختر فیروزآباد (Huff 1971: 6A-B)، نقش رستم (Schmidt 1970: 7; 29)، پاسارگاد (Stronach 1978: 9, 144)، و قصر ابونصر (Whitcomb 1985: 50, Fig. 17) است.

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت خشن، خاکستری (ش ۶): این کوزه با لبه پهن و تزئین زیر لبه پوشش گلی غلیظ خاکستری رنگ دارد. خمیره آن قهوه‌ای و کیفیت ساخت آن نامناسب است. این نوع کوزه با بدنه کروی و کف تخت در اوایل دوران اسلامی در سیراف وجود داشته (Whitehouse 1971: xd)، اما نمونه‌های شبیه‌تر به آن به‌ویژه از نظر نوع لبه و تزئین زیر لبه، با ظروف اواخر دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی از قصر ابونصر مشابه است (Whitcomb 1985: Fig. 19).

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، قرمز مایل به صورتی، لعاب‌دار (ش ۷): این ظرف، کاسه‌ای با پوشش لعاب آبی مایل به سبز است که در لعاب سطح آن دانه‌های شن وجود دارد. لعاب کدر و کیفیت آن خشن است. اگر چه این ظرف از نظر لعاب در گروه ظروف اولیه قرار می‌گیرد، از نوع کاسه‌های کم‌عمقی است که لبه ظرف با زاویه‌ای به بدنه متصل است و این سبک به طور معمول در کاسه‌های میانه دوران اسلامی مشاهده می‌شود. شکل این ظرف به سبک کاسه‌های سده هشتم هجری در محوطه‌های شوش (Kervran 1977: Fig. 34)، شهر دقینانوس (Stein 1937: 213) و قصر ابونصر (Whitcomb 1985: 5, Fig. 25) است.

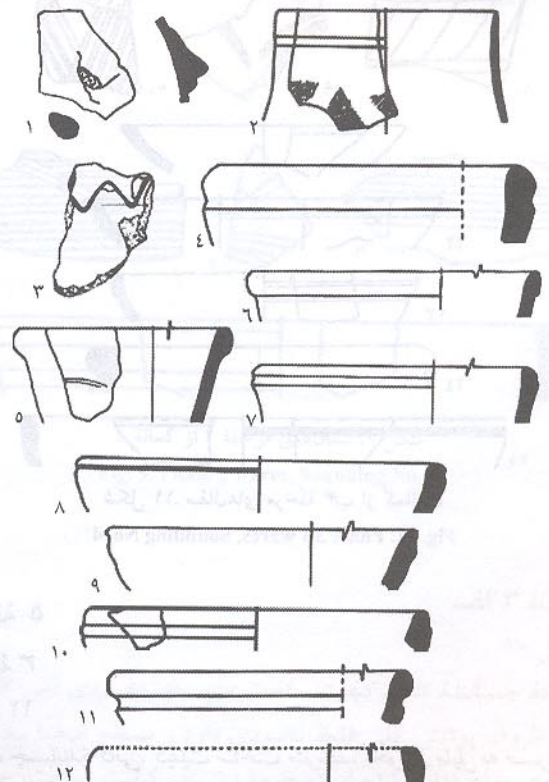


شکل ۱۳. سفال‌های مرحله ۳ از گمانه ۶

Fig. 13. Phase 3 wares, Sounding No. 6

است که بر سطح آن نوعی شیار کنده خراش مانند دیده می‌شود. این شیوه تزئین در سفال‌های اوایل دوران اسلامی در بدنه ظروف قصر ابونصر به چشم می‌خورد (Whitcomb 1985: Fig. 205). ظروف لبه‌پهن در این مرحله ساده و فاقد لعاب است. در برخی موارد، حاشیه زیر لبه ظروف با شیار کنده تزئین شده (ش ۴، ۶، ۸، ۱۲)، یا در مواردی نوار برجسته‌ای دور تا دور زیر لبه آن وجود دارد (ش ۹، ۱۰). تزئین شیار کنده یا نوار برجسته حاشیه زیر لبه در تمام موارد سبک رایج ظروف اواخر دوره ساسانی و اوایل دوران اسلامی است که در ظروف محوطه‌های این دوره نظیر قصر ابونصر (Whitcomb 1985: Figs. 18-19)، استخر (Whitcomb 1979: Pit 2)، سیراف (Whitehouse 1971: xb)، شوش (Kervran 1977: Fig. 26)، و نیشابور (Wilkinson 1973: 297) وجود داشته است. هرچند شیارهای کنده یا برجسته به نسبت نوع لبه باریک، پهن یا مفصلی در ظروف این محوطه متفاوت است، نوع سبک حایز اهمیت است که بیشتر در محوطه‌های این دوره مشاهده می‌شود.

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی، لعاب‌دار (ش ۳): سطح این ظرف با نوار موج کنده تزئین و روی آن با لعاب فیروزه‌ای پوشیده شده است. این شیوه تزئین و نوع لعاب رنگ‌پریده و کدر با نمونه‌های اواخر دوره ساسانی و اوایل دوران اسلامی از تیسفون، لایه‌های کهن شهر استخر (Whitcomb 1979: Pit 3) و قصر ابونصر (Whitcomb 1985: 46, Fig. 16F) مشابه است.



شکل ۱۲. سفال‌های مرحله ۳ از گمانه ۵

Fig. 12. Phase 3 wares, Sounding No. 5

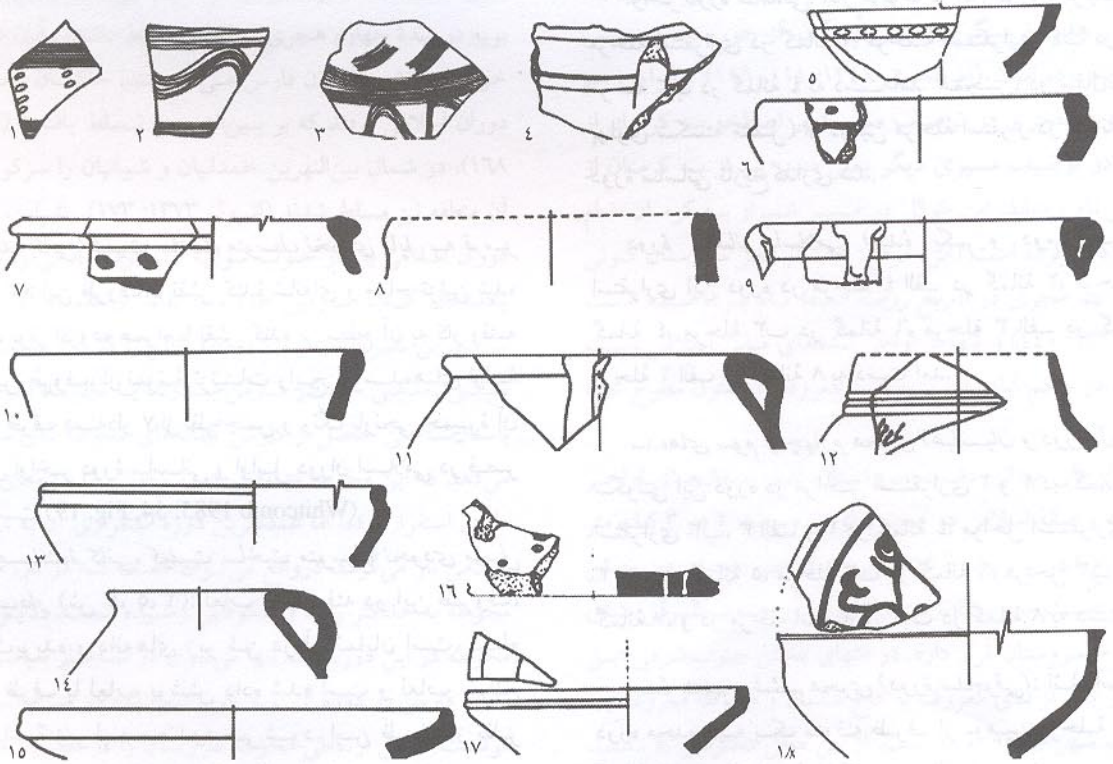
با کیفیتی نامناسب است. ظرف ۱۷ لعاب فیروزه‌ای مایل به آبی دارد. لعاب سطح با وجود ضخامت زیاد، کیفیت مطلوبی ندارد. داخل ظرف با لعاب پوشش داده شده، اما سطح بیرونی فقط در محدوده لبه دارای لعاب کدر و خشن است.

ظروف ۱۵ و ۲۰ با لعابی متفاوت از نوع لعاب‌های اولیه پوشش داده شده است. کاسه ۱۵ در هر دو سطح لعاب آبی و کاسه ۲۰ لعاب سفید دارد که بر سطح آن با لعاب آبی تیره نقاشی شده است. لعاب ظرف ۱۵، از نوع لعاب‌های آبی‌رنگ براق سده‌های میانه اسلامی به‌ویژه دوره ایلخانی و مظفریان در فارس است (Whitcomb 1985: 67, Fig. 25). ظرف ۲۰ از نوع کاسه‌های گود با پایه‌ای حلقه‌ای است که نمونه‌های مشابه آن از نظر شکل، از محوطه‌های غُبیرا در کرمان در سده‌های هفتم و هشتم هجری (Bivar 2000: 143, 339, Fig. 73) و در قصر ابونصر از دوره مظفریان (Whitcomb 1985: 67, Fig. 25) به دست آمده است.

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، قرمز مایل به خاکستری (ش ۱۳، ۱۶): این دو ظرف کوزه‌هایی دسته‌دار با پوشش گلی غلیظ خاکستری بر سطح بدنه است. دسته این ظروف از نوع دسته‌های حلقوی عمودی بر بدنه ظرف است که با مقطع گرد بر شانه ظرف قرار می‌گرفته است. این نوع دسته در کوزه‌های با کف گرد رایج بوده و در سده‌های میانه اسلامی به‌ویژه سده هفتم و هشتم هجری رواج داشته است (Bivar 2000: 146, Figs. 89-90).

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی مایل به قرمز (ش ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۸): ظروف ش ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۴ پوشش گلی غلیظ و تزئین نقش کنده‌شانه‌ای دارد. نمونه‌های مشابه این نوع تزئین در ظروف محوطه‌های قصر ابونصر (Whitcomb 1985: 52, Fig. 19)، استخر (Whitcomb 1979: Pit. 15)، نیشابور (Wilkinson 1973: 308)، عمان (Whitcomb 1975: 6-w)، و شوش (Kervran 1977: Figs. 23-26) در گروه نقش‌های ساده و موازی به اواخر دوره ساسانی (Whitcomb 1985: 52) و با پیچیدگی و تنوع نقش، به سده‌های اولیه اسلامی تاریخ‌گذاری شده است (Whitcomb 1985: 54, Fig. 20). بر اساس تاریخ‌گذاری نقش‌های مشهود ظروف ۳، ۴، ۵، ۶ و ۹ در گروه ظروف سده‌های اولیه اسلامی و ظرف ۱۴ در گروه ظروف متعلق به اواخر دوره ساسانی و اوایل دوران اسلامی طبقه‌بندی می‌شود.

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی مایل به قرمز، لعاب‌دار (ش ۷، ۸، ۱۲، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۰): لعاب آبی مایل به سبز دارد که لعاب سطح آن از نوع اولیه کدر و خشن است. سطح بیرونی ظرف در حاشیه زیر لبه و سطح داخلی در تمام سطح پوشش لعاب دارد. ظروف ۸ و ۱۲ دارای لعاب فیروزه‌ای



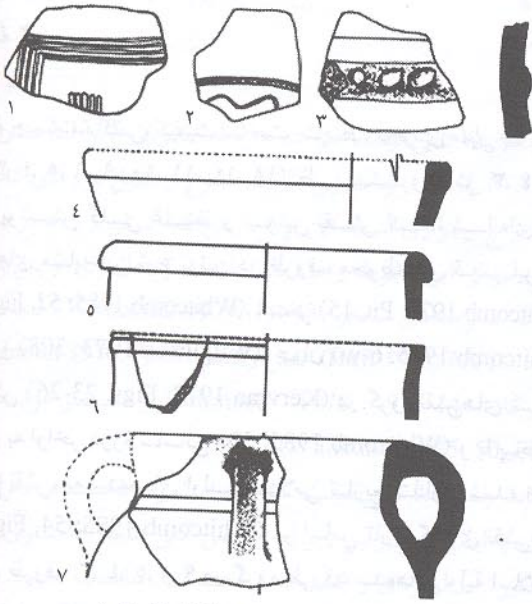
شکل ۱۴. سفال‌های مرحله ۳ از گمانه ۷

Fig. 14. Phase 3 wares, Sounding No. 7

مرحله ۳

شکل ۱۵

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی مایل به قرمز (ش ۱، ۲): ظرف ۱ کاسه‌ای با پوشش لعاب سبز-آبی مایل به سفید است که دانه‌های ریز شن در سطح آن نمایان است. این لعاب نامرغوب بر هر دو سطح ظرف از نوع لعاب‌های اولیه، خشن و کدر است. ظرف ۲ کاسه‌ای با پوشش لعاب آبی فیروزه‌ای مایل به سفید است. هر دو سطح آن پوشش لعاب با کیفیت مناسب دارد. این ظروف از نظر شکل با ظروف سده‌های میانه اسلامی شبیه است اما از نظر کیفیت لعاب در گروه سفال‌های اولیه قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد این نوع ظرف به‌ویژه از نظر شکل در مرحله تحول، قرار داشته، هر چند هنوز لعاب‌ها کیفیت مناسب سده‌های میانه اسلامی را به دست نیاورده است.



شکل ۱۶. سفال‌های مرحله ۲ از گمانه ۸

Fig. 16. Phase 2 wares, Sounding No. 8

دوره‌های استقرار

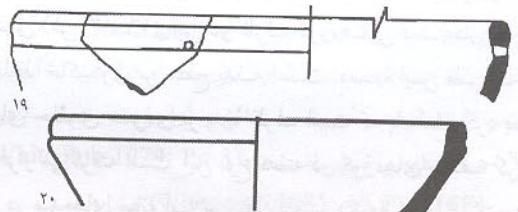
بر اساس نتایج بررسی گونه‌شناختی سفال‌های کشف‌شده از دوره‌های استقراری گوناگون در هشت گمانه این محوطه، پنج دوره استقراری زیر برای سکونت در محوطه سروستان مشخص شد:

اواخر دوره ساسانی: آثار مربوط به این دوره به ترتیب در سومین مرحله استقراری در گمانه ۱، مرحله استقراری ۴ ب در گمانه ۲، و مرحله ۳ ب در گمانه ۴ به دست آمد. همچنین، دو سفال‌نیشته (به خط پهلوی شکسته متصل) از دومین مرحله استقرار در گمانه ۲ به اواخر دوره ساسانی تاریخ‌گذاری شد.

دوره ساسانی-اسلامی (سده یکم و دوم هجری): مراحل استقراری این دوره در مرحله ۴ الف در گمانه ۲، مرحله ۳ الف در گمانه ۴، مرحله ۳ ب در گمانه ۶، مرحله ۳ الف در گمانه ۷، و مرحله ۲ الف در گمانه ۸ به دست آمد.

سده‌های سوم و چهارم هجری (عباسیان و دوره آل بویه): آثار سکونت این دوره در مراحل استقراری ۲ و ۱ در گمانه ۱، مراحل استقراری ۳ ب، ۳ الف و ۲ در گمانه ۴، مراحل استقراری ۳ ج، ۳ ب و ۳ الف در گمانه ۵، مرحله ۳ ب در گمانه ۶، مراحل ۳ ب و ۳ الف در گمانه ۷، و در مرحله استقراری ۲ ب در گمانه ۸ به دست آمد.

سده پنجم و ششم هجری (دوره سلجوقی): آثار استقراری این دوره محدود به یک نمونه ظرف از دومین مرحله استقراری در گمانه ۲ است که از نظر شکل جزو ظروف سده پنجم و ششم هجری طبقه‌بندی می‌شود.



شکل ۱۵. سفال‌های مرحله ۲ از گمانه ۷

Fig. 15. Phase 2 wares, Sounding No. 7

گمانه ۸

مرحله ۲

شکل ۱۶

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی مایل به قرمز (ش ۱، ۲، ۳، ۷): این ظروف با نقش کنده شانه‌ای و موج‌ترین شده و در نمونه ۳، نوار افزوده همراه با نقش کنده بر سطح آن به کار رفته است. تزئین این ظروف، از نمونه تزئینات رایج در سده‌های اولیه اسلامی است. ظرف دسته‌دار ۷ از نظر جنس و رنگ نارنجی خمیره آن به نمونه‌های اواخر دوره ساسانی و اوایل دوران اسلامی در قصر ابونصر شبیه است (Whitcomb 1985: 54, Fig. 19).

با ماده چسباننده کانی، کیفیت ساخت متوسط، نخودی مایل به قرمز، لعاب‌دار (ش ۴، ۵، ۶): لعاب به‌کاررفته در این ظروف، خشن و رنگ‌پریده و دانه‌های زبر شن در آن نمایان است. تمام سطح داخل ظرف با لعاب پوشش داده شده است و لعاب سطح بیرونی به حاشیه زبر لبه محدود می‌شود. این ظرف از نظر کیفیت لعاب و جنس در گروه سفال‌های اوایل اسلام طبقه‌بندی می‌شود.



بزرگ سروستان، فسا و جهرم واقع شده و موقعیت خاص ارتباطی آن ایجاب می‌کند تا این محل حلقه ارتباطی این سه دشت باشد.

از این دیدگاه، موقعیت خاص شهر خاوران، در مقام گذرگاهی طبیعی از دشت سروستان به دو دشت پیرامونی یعنی فسا و جهرم، شباهت بسیار نام ذکر شده در متون تاریخی یعنی خورستان، به خاوران و نه سروستان، حتی ناهمخوانی فاصله ذکر شده (هفت فرسنگ) شیراز به سروستان در متون سده‌های اولیه اسلامی و تطبیق بیشتر آن با بخش جنوب شرقی دشت سروستان (شوارتس ۱۳۷۱: ۱۰۶)، وجود دو محوطه مهم باستانی کاخ ساسان و شهر پیریبابان در بخش جنوب شرقی این دشت، نشان می‌دهد که مسیری که جغرافیدانان سده‌های اولیه اسلامی توصیف کرده‌اند با مسیر شهر امروزی خاوران در منتهی‌الیه جنوب شرقی دشت منطبق‌تر است. در صورت پذیرش این فرض، توالی دوره‌های استقرار شناسایی شده در محوطه سروستان و مسیر توصیفی جغرافیدانان سده‌های اسلامی نشان می‌دهد که محوطه معروف سروستان در این مسیر واقع بوده است. نیز، ابن بلخی در سده پنجم هجری به بنایی در نیم‌فرسخی جنوب شیراز اشاره می‌کند که عضدالدوله دیلمی قصری برای خود در آنجا ساخت و بر گرد این قصر باغستانی ایجاد و اموال بسیار برای آن صرف کرد و همچنین ذکر می‌کند که پیرامون آن قصر شهری بنا کرد که پیش از سده چهارم هجری (پس از مرگ عضدالدوله) رو به ویرانی گذاشت (ابن بلخی ۱۳۷۴: ۴۰۶). به این موضوع هم در *مآثرالملوک* سده هشتم هجری اشاره شده است (خواندمیر ۱۳۷۲). ذکر این نکته اهمیت دارد که آل بویه در سده چهارم هجری بر فارس تسلط داشتند. آنان علاوه بر اینکه خود را جانشین شاهان فارس می‌دانستند، حاکمان نخستین سلسله دوران اسلامی بودند که بر بین‌النهرین تسلط یافتند (اشپولر ۱۳۷۳: ۱۶۸)، در شمال بین‌النهرین حمدانیان و شیپانیان را سرکوب کردند و بر آن منطقه نیز مسلط شدند (اشپولر ۱۳۷۳: ۱۷۳). بنابراین، این سلسله در دوران اسلامی با آثار جنوب سوریه آشنا بودند و می‌توانستند به یادبود پادشاهان گذشته سرزمین خود و به تقلید از معماری کاخ‌های شمال بین‌النهرین نظیر اوخیدر و المشاطه بنایی با کارکرد متناسب با ساختار سیاسی-مذهبی خود در فارس بسازند یا تجدید بنا کنند. شواهد باستان‌شناختی حاصل از کاوش گمانه‌های محوطه بنای سروستان نشان می‌دهد که این محوطه از اواخر دوره ساسانی تا سده‌های میانه اسلامی دارای استقرار بوده، اما عمده‌ترین دوره استقراری آن به سده‌های اولیه اسلامی باز می‌گردد. در واقع می‌توان گفت که در دوره آل بویه این محوطه به حداکثر رشد و شکوفایی رسیده است. دلایل توسعه این محوطه در این دوره را نه تنها می‌توان در ساختار سیاسی-فرهنگی منطقه فارس در دوره آل بویه جویا شد، بلکه در تمام موارد می‌توان موقعیت خاص ارتباطی محوطه سروستان را در مسیر راه‌های تجاری سه شهر بزرگ سده‌های اولیه اسلامی یعنی شیراز، بیضا و استخر به مناطق شهری دیگر نظیر کرمان، سیرجان، جهرم، فسا، لار و بنادر خلیج

سده‌های هفتم و هشتم هجری (ایلخانی و دوره مظفری): آثار متعلق به سده‌های میانه اسلامی به‌ندرت در برخی از مراحل استقراری نظیر مرحله ۳ الف در گمانه ۴، ۳ الف در گمانه ۶، و در مرحله استقرار ۲ در گمانه ۷ به دست آمد.

## بحث

در متون تاریخی به مکانی به نام خورستان اشاره شده که احتمال دارد در پژوهش‌های باستان‌شناختی دشت سروستان کاربرد داشته باشد. نخستین بار در سده سوم هجری ابن خردادبه در توصیف مسیر شیراز به دارابگرد این نام را ضبط کرده است. در تحولات سده یکم هجری در فارس، نامی از سروستان و خورستان به میان نیامده است (دریایی ۱۳۸۰). در تاریخ طبری از شهرهای توز، استخر، پسا، شیراز و دارابگرد نام برده شده، اما به محل سروستان یا خورستان اشاره‌ای نشده است (بلعمی ۱۳۳۷: ۳۵۰). ابن حوقل در سده چهارم هجری در مسیر شیراز به کرمان، خورستان را در هفت فرسخی شهر شیراز پس از فریه کهرگان برشمرده (ابن حوقل ۱۳۴۵: ۵۳)، وی پس از گذر از خورستان به رباط و سرانجام فسا رسیده است (ابن حوقل ۱۳۴۵: ۵۳). مقدسی در همین سده، مسیر اصطخر به کرمان را توصیف کرده و در متن موضح از سروستان نام برده است (مقدسی ۱۳۶۱: بخش دوم). در متن فارسی *مسالک و ممالک* سده پنجم و ششم هجری، در توصیف کوره اصطخر نام خورستان در مسیری دیگر پس از شیراز ذکر شده است (اصطخری ۱۳۴۰: ۹۹). اصطخری در مسیر شیراز به کرمان، پس از هفت فرسنگی روستای کهرگان، از خورستان و سپس رباط و پسا نام برده است (اصطخری ۱۳۴۰: ۱۱۴، ۱۱۶). بنابراین، هم مقدسی و هم اصطخری در توصیف مسیر شهر اصطخر به کرمان از سروستان و در توصیف مسیری دیگر یعنی مسیر شیراز به کرمان از خورستان نیز نام برده‌اند. ابن حوقل در مسیر شیراز به کرمان، نام خورستان را ذکر کرده است (ابن حوقل: ۵۳). از شهر سروستان کنونی نها در سده نهم هجری در *تاریخ روضه الصفا* نام برده شده است (میرخواند ۱۳۳۹: ۴۴۰) و تنها از اواخر سده‌های میانی اسلامی است که سروستان در حکم آبادی‌ای پروتق و معروف در متون مطرح شده است.

در پژوهش‌های میدانی دشت سروستان، آثار سفال‌های اواخر سده‌های اولیه و میانه اسلامی در محدوده‌ای به وسعت ۲ در ۳ کیلومتر در محلی به نام شهر پیریبابان شناسایی شد. این محل، در بخش جنوب شرقی دشت سروستان، در ۵ کیلومتری جنوب شرقی بنای معروف به کاخ سروستان قرار دارد. در انتهای بخش جنوب شرقی این دشت، پس از گذر از بنای معروف به کاخ ساسان و محوطه معروف به شهر پیریبابان، شهر خاوران واقع است. از این محل دسترسی به دشت جهرم در بخش جنوبی و دشت فسا در بخش شرقی آن به‌سهولت امکان‌پذیر است. شهر خاوران، در موضعی در حد فاصل سه دشت

می‌دهد که در دوره ساسانی دشت شیراز از کانون‌های مهم و مورد توجه بوده و به همین دلیل شباهت نزدیک آثار استقراری اواخر دوره ساسانی در محوطه سروستان با آثار قصر ابونصر جای تأمل بیشتر دارد.

### سپاسگزاری

کاوش در محوطه سروستان به لطف بی‌دریغ شادروان دکتر مسعود آذرنوش رئیس وقت پژوهشکده باستان‌شناسی انجام شد. بدون حمایت‌ها و دلگرمی‌های ایشان کاوش در این محل ممکن نبود. زحمات مدیر وقت میراث فرهنگی استان فارس، محمد حسین بحرالعلومی و مدیر پایگاه سروستان، امیر پیروز دقوقی شایسته تقدیر است. اعضای هیئت باستان‌شناسی در این محوطه در مراحل متعدد همکاری‌های گسترده و تلاش فراوان برای کاوش هرچه بهتر داشتند که مدیون زحمات آن عزیزان به‌ویژه محمدحسین پاک‌نژاد، امیر حیدری، فرهاد مرودانی، عباس آرام‌تن و عباسعلی شفیع‌ی سروستانی هستیم. تجربیات سی‌ساله پرویز محیط، نگهبان کاخ در تمام مراحل یاریگر ما بود و از آن بهره فراوان بردیم. دکتر جواد نیستانی در استفاده از متون تاریخی لطف بسیار روا داشتند که از ایشان سپاسگزارم. همچنین، از راهنمایی‌های ارزشمند شادروان دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی و مهندس محمد مهریار در چند مرحله ضمن بازدید آن عزیزان از محوطه بهره بسیار بردیم. هر دو ایشان و همچنین شادروان مسعود آذرنوش علاقه بسیار داشتند که بر اساس نتایج کاوش‌های باستان‌شناختی روشن شود بنای معروف به کاخ در این محوطه به کدام دوره تعلق دارد.

فارس مدّ نظر قرار داد و از این دیدگاه آثار استقراری اواخر دوره ساسانی، سده‌های اولیه و میانه اسلامی را در محوطه سروستان و محوطه بزرگ شهر پیریبابان توضیح داد.

بنابراین، مسئله حداکثر توسعه این محوطه از نظر موقعیت جغرافیایی آن در حکم نخستین منزلگاه پس از شیراز، استخر و بیضا در مسیر راه کاروانی در کنار چشمه‌ای پرآب در سده‌های اولیه اسلامی حایز اهمیت است، اما آیا می‌توان زمان ساخت بنای معروف به کاخ ساسان را سده سوم و چهارم هجری دانست، در حالی که آثار استقراری اواخر دوره ساسانی و سده‌های یکم و دوم هجری نیز در این محوطه به چشم می‌خورد؟ به واسطه توسعه راه‌های تجاری و نیاز سه مرکز مهم دوره اسلامی به‌ویژه شهر شیراز به دسترسی به مناطق شرق و جنوب کشور از این مسیر، طبیعی است که توسعه راه‌های تجاری در فارس در سده سوم و چهارم هجری، استفاده گسترده‌تر از این محوطه را در حکم نخستین منزلگاه در مسیر تجاری شهر شیراز در پی داشته باشد. با وجود این دلایل، به واسطه وجود آثار استقراری اواخر دوره ساسانی در این محوطه می‌توان گفت به احتمال در دوره آل بویه این محوطه دوباره استفاده و آثار استقراری موجود در آن احیا شده است. زیرا، شباهت بسیار آثار متعلق به اواخر دوره ساسانی در این محوطه با محوطه قصر ابونصر در ۵۰ کیلومتری شمال آن را نمی‌توان نادیده گرفت. محوطه قصر ابونصر در اواخر دوره ساسانی به حداکثر رشد و توسعه رسیده و نیازهای ارتباطی ساکنان این محوطه با مناطق جنوب و جنوب شرق به احتمال از همین مسیر برآورده می‌شده است. وجود نقش برجسته‌های ساسانی پیرامون قصر ابونصر در برم دلک نشان

### کتابنامه

- |   |  |
|---|--|
| خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین حسینی   | الف) فارسی   |
| ۱۳۷۲ مائزالملوک به ضمیمه خاتمه خلاصه‌الخبار و قانون همایونی، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. | ابن بلخی ۱۳۷۴  |
| دریایی، تورج  | فارسانامه ابن بلخی، تصحیح منصور رستگارفسایی، شیراز، بنیاد فارس‌شناسی.                              |
| ۱۳۸۱ سقوط ساسانیان، ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی حسینک لو، تهران، نشر تاریخ ایران.                    | ابن حوقل ۱۳۴۵  |
| شوارتس، پاول  | صورة الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران، بنیاد فرهنگ ایران زمین.  |
| ۱۳۷۱ جغرافیای تاریخی فارس، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.                            | اشپولر، برتولد ۱۳۷۳  |
| لسترنج، گای   | تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه مریم میراحمدی، تهران، علمی و فرهنگی.                      |
| ۱۳۷۳ جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، علمی و فرهنگی.                            | اصطخری، ابواسحاق ابراهیم ۱۳۴۰  |
| مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد   | مسالك و ممالک، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.                                  |
| ۱۳۶۱ احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.                  | بلعمی، ابوعلی محمد ۱۳۳۷  |
| میرخواند، محمد بن سیدبهران‌الدین خواندشاه بن کمال‌الدین محمود   | ترجمه تاریخ طبری، به اهتمام محمدجواد مشکور، تهران، خیام.   |
| ۱۳۳۹ تاریخ روضةالصفاء، تهران، جلد هفتم، خیام و پیروزی.  | جعفری، عباس ۱۳۷۹   |
|   | فرهنگ بزرگ گیتاشناسی (اصطلاحات جغرافیایی)، چاپ سوم، تهران، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی. |

- Bier, Lionel  
1986 *Sarvistan: A Study in Early Iranian Architecture*, University Park: Pennsylvania State University Press.
- Bivar, A.D.H  
2000 *Excavation at Ghubayra, Iran*, London, University of London.
- Huff, Dietrich  
1971 "Qal-e Dukhtar bei Firuzabad, ein Beitrag zur sasanidischen Palastarchitektur", *Archäologische Mitteilungen aus Iran* 4: 127-171.
- Kennet, Derek  
2004 *Sasanian and Islamic Pottery from Ras al-Khaimah*, Society for Arabian Studies Monographs, No. 1, D. Kennet and St. John Simpson, eds., BAR International Series 1248.
- Kervran, Monique  
1977 "Les niveaux islamiques du secteur oriental du tépé de l'Apadana II. Le matériel céramique", *CDAFI* 7: 75-161.
- Langdon, Stephen and D.B. Harden  
1934 "Pottery from Kish", *Iraq* 1: 113-13.
- Potts, Daniel  
1984 "Northeastern Arabia in the Later Pre-Islamic Era", in *Arabie orientale, Mesopotamie et Iran Meridional de l'age du fer au debut de la period Islamique*, Boucharlat, Remy et Salles, Jean François, eds., pp. 85-144, Paris: Recherche sur les civilisation, Memoire 37.
- Reuther, Oscar  
1977 "Sasanian Architecture: A History", in *A Survey of Persian Art*, A. U. Pope, ed., Tehran: Soroush Press.
- Schmidt, Erich F.  
1953-1970 *Persepolis*, 3 Vols., Chicago: The University of Chicago Press.
- Stein, Aurel  
1937 "From Galledar to Bushire", in *Archaeological Reconnaissances in North-western India and South-eastern Iran*, New York: Macmillan, pp. 213-234.
- Stronach, David  
1978 *Pasargadae: A Report on the Excavation Conducted by British Insitute of Persian Studies from 1961 to 1963*, Oxford: Clarendon Press.
- Tampoe, Moira  
1989 *Maritime Trade Between China and the West: An Archaeological Study of the Ceramics from Siraf (Persian Gulf), 8th to 15th Centuries A.D.*, BAR International Series 555, Oxford.
- Whitcomb, Donald  
1975 "The Archaeology of Oman: A Preliminary Discussion of the Islamic Period", *Journal of Oman Studies* I: 123-57.  
1979 "The City of Istakhr and the Marv Dasht Plain", in *Acten des VII. Internationalen Kongresses für Iranische Kunst und Archäologie, München, 7-10 September 1976*, AMI Erganz. 6: 363-370, Berlin: D. Reimer.  
1985 *Before Roses and Nightingales: Excavation at Qasr-Abunaser, Old Shiraz*, New York: The Metropolitan Museum of Art.  
1987 "Bushire and the Angali Canal", *Mesopotamia* XXII: 311-336.
- Whitehouse, David  
1971 "Excavation at Siraf: Third Interim Report", *Iran* VIII: 1-18.
- Wilkinson, Charles  
1973 *Nishapur: Pottery of the Early Islamic Period*, New York: Metropolitan Museum of Art.

### اطلاعیه

تارنمای sasanika در نظر دارد از این پس بخشی را به نتایج فعالیتهای میدانی باستان‌شناسی در زمینه دوره ساسانی اختصاص دهد. از همکاران باستان‌شناس که علاقه‌مندند خلاصه‌ای از بررسی یا کاوش خود را در این تارنما منتشر کنند دعوت می‌شود مطلبی در حدود ۱۵۰۰-۱۰۰۰ کلمه با ۱-۲ نقشه و ۳-۴ عکس رنگی به نشانی پیام‌نگار مجله باستان‌شناسی و تاریخ [ijarchaeologyandhistory@iup.ir](mailto:ijarchaeologyandhistory@iup.ir) ارسال کنند.